

اشاره‌ای مختصر

بر

تحول باستانشناسی در ایران

دکتر صادق ملک شه‌میرزادی

مقدمه

از زمان تشکیل اداره کل باستانشناسی که خود تغییر نام یافته اداره عتیقات بوده است و امروزه با عنوان "مرکز باستانشناسی ایران" یکی از سازمانهای تابع وزارت فرهنگ و آموزش عالی است بیش از نیم قرن نمیگذرد. قدمت تاسیس گروه آموزشی باستانشناسی در دانشگاه تهران حتی به نیم قرن هم نمی‌رسد. این دو نهاد فرهنگی، تحقیقاتی و پژوهشی بعنوان دو تشکیلات سازمان یافته ایرانی به آن اندازه جدید هستند که احتمالاً "تدوین تاریخ چگونگی تغییرات و تحولات آن نیاز به زمان بیشتری دارد تا مدارک و اسناد رویدادهای درون سازمانی آنها را بتوان به راحتی در اختیار داشت. به همین جهت می‌توان عنوان "اشاره‌ای مختصر بر تحول تشکیلات باستانشناسی در ایران" را برای این مطالعه انتخاب نمود و هدف از چنین مطالعه‌ای را نظری بر فعالیتهای تحقیقاتی و پژوهشی در زمینه مطالعات باستانشناسی و تشکیلاتی آن در ایران و توسط ایرانیان دانست. جدید بودن تشکیلات باستانشناسی در ایران با نهادهای مشابه در سایر نقاط جهان را با یک مقایسه ساده می‌توان روشن نمود. مثلاً "با مقایسه با موزه لوور (Louvre) در پاریس که در سال ۱۷۹۳ میلادی (برابر ۱۱۷۲ ه. ش) چهار سال بعد از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه از طرف انقلابیون به ملت فرانسه اهدا شد و رسماً بنام "موزه جمهوری فرانسه" که گاهی نیز به نام "موزه ملی فرانسه" نامیده میشد افتتاح گردید، در ایران فکر تاسیس یک موزه ملی ۱۲۳ سال بعد از آن پدید آمد. اگر در کشور انگلستان در سال ۱۸۸۲ میلادی لایحه

"حفظ میراث فرهنگی" توسط یک بانکدار عضو پارلمان بنام جان لوباک (John Lubbock) به مجلس ارائه و از تصویب مجلس انگلستان گذشت در ایران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۶ ه. ش (برابر ۱۹۲۷ میلادی) موفق شد امتیاز انحصار حفاری و کاوشهای باستانشناسی در تمام ایران را که رسماً "در سال ۱۹۰۰ میلادی (۱۲۷۹ ه. ش) به دولت فرانسه واگذار شده بود فقط بطور مشروط لغو نماید (باین موضوع در آینده بیشتر خواهیم پرداخت).

در ۱۷۵۰ میلادی جان وینکلمن Johan Winckelmann آلمانی وقتی کتاب معروف خود با عنوان "تاریخ هنر قدیم" را نوشت و در آن میزان و ملاکی برای تمیز سبکهای مختلف هنری ارائه نمود بعنوان پدر علم باستانشناسی نامیده شد و یا هنگامی که جنس جاکوب آسموسن وارسا (J.J. Asmussen Warsaae) در سال ۱۸۸۴ میلادی کتاب معروف خود را تحت عنوان "ادوار باستانی دانمارک" منتشر نمود و در آن درباره تقسیم ادوار مختلف باستانی به سه دوره سنگ و برنز و آهن که قبلاً "توسط استادش کریستین جورجسن تامسن (Ch. Jurgensen Thomsen) پیشنهاد و ارائه شده بود مفصلاً توضیحاتی داد و ضمن آن برای جلوگیری از انهدام میراث فرهنگی طرقي را ارائه نمود رسماً بعنوان اولین باستانشناس در تاریخ مطالعات باستانشناسی شناخته شد و بعدها به مقام استادی بخش باستانشناسی در دانشگاه دانمارک در کپنهاک رسید و همچنین مدرسه مطالعات و تحقیقات باستانشناسی در پاریس که قسمتی از تشکیلات موزه لوور بود و به نام "مدرسه لوور" (Ecole de Louvre) در سال ۱۸۸۲ میلادی رسماً به کار آموزش باستانشناسی و تربیت باستانشناسان پرداخت اولین گروه دانشجویان باستانشناسی دانشگاه تهران حدود سال ۱۹۴۹-۵۰ میلادی فارغ التحصیل شناخته شدند (به این موضوع نیز با توسل به آثار رسمی در آینده اشاره‌ای خواهیم داشت).

با وجود این ایرانیان در راه سازمان دادن به تشکیلات باستانشناسی با استفاده از تجربیات گذشته برای رساندن خود به کاروانهای پیشرو

در این راه گامهای بلندی را برداشتند که گاهی نیز با موفقیت کامل همراه بود. در نتیجه همین سرعت عمل ها بود که در این اواخر تشکیلات سازمان یافته تحقیقات و پژوهشهای باستانشناسی در ایران و توسط ایرانیان به چنان درجه ای از اعتبار علمی در سطح بین المللی رسید که محققان و پژوهشگران و باستانشناسان بسیاری را در میان ایرانیان میتوان برشمرد که با همتایان خود از سایر ممالک جهان در کنگره های جهانی که در اطراف پژوهشهای باستانشناسی برای تبادل افکار و نظرات ترتیب داده میشد در کنار یکدیگر حتی در موضوعات بسیار جزئی امر به بحث و گفتگو می پرداختند و پیشنهادهای محکم علمی قابل قبولی را با استناد مدارک و دلایل دقیق علمی ارائه می نمودند.

کنگره باستانشناسی و هنر ایران که در سال ۱۳۵۵ ه. ش. در مونیخ آلمان منعقد گردید و سمینار مسائل شوش که در آبان ماه ۱۳۵۶ ه. ش. در شهر شوش خوزستان در ایران برگزار شد آخرین این نوع جلسات علمی بین المللی خارجی و داخلی بود که تعداد شرکت کننده ایرانی در هر یک از آنها بطور چشم گیری قابل توجه بوده است.

برای پیگیری چگونگی تکوین و تطور تکاملی تشکیلات باستانشناسی در ایران که گاهی با وقفه و سکنه همراه بوده و زمانی نیز بطور طبیعی و جبری مسیر خود را طی مینموده است ابتدا به خلاصه ای از جدول زمان بندی تحولات سازمانی تشکیلات باستانشناسی نظری افکنیم و سپس به شرح مختصری از نکات برجسته آن بسنده مینمایم.

قبل از اینکه این مطالعه بصورت حاضر عرضه شود دوبار بوسیله استاد سید محمد محیط طباطبائی پیر راه تحقیق در تاریخ و ادبیات ایران خوانده شد. یک بار نسخه دست نویسی و بار دیگر پس از تکمیل آن با اضافات استاد بصورت ماشین شده تکمیل گردید.

اصلاحات انشائی و دستوری استاد، که کم هم نبود، هر دو بار در خود متن انجام گرفت. ولی اطلاعات گرانبها و پرارزش استاد بدون کمترین تغییری بصورت ضمیمه با رعایت نظم و ترتیب شماره صفحات متن تقدیم میشود. اهمیت اطلاعات داده شده توسط استاد سید محمد محیط طباطبائی را میتوان چنین برشمرد.

۱- خود استاد شاهد عینی برخی از رویدادها بوده اند

۲- برخی از آنها را در هیچ بایگانی و آرشیو نمی توان یافت

۳- بیطرفی و بیغرضی در نقل مطالب.

با آرزوی طول عمر و سلامت برای استاد سید محمد محیط طباطبائی این مقدمه را به پایان می برم و امیدوارم در آینده فرصتی مناسب در اختیارم قرار گیرد که بتوانم از بایگانیهای سازمانهای ذربط استفاده نمایم و هنگام تجدیدنظر در این مقاله، عنوان "اشاره ای مختصر" را به "تاریخ تکوین و تطور تکاملی" تبدیل نمایم.

توجه ایرانیان به میراث فرهنگی

قبل از ورود به بحث اصلی که چگونگی تکوین و تکامل تشکیلات باستانشناسی در ایران است، چگونگی توجه ایرانیان را در ابتدای امر نسبت به میراث فرهنگی و آثار باستانی باید به اختصار مورد مطالعه قرار داد. بر اساس مدارک موجود چنین به نظر می رسد که در ابتدا توجه ایرانیان به آثار باستانی از حد یک تفنن زودگذر و موقت که اکثر اوقات با انهدام و ویرانی آنها نیز همراه بوده است تجاوز نمی نموده (۱). در این باره بهترین شاهد مدعا اعترافات محمد حسن خان اعتماد السلطنه است که ضمن خاطرات روز شنبه غره جمادی الاول سال ۱۳۰۳ ه. ق. که مطابق است با بهمن ماه ۱۲۶۴ ه. ش چنین نوشته است:

"... بعد از نهار خانه آدمم. تا عصر مشغول خواندن مسکوکات کهنه شدم. تازه باین خیال افتادم. سکه کهنه جمع می کنم."

(اعتماد السلطنه - ۴۰۷).

و ضمن خاطرات روز دوشنبه ۲۴ جمادی الاول همان سال می نویسد:

"صبح خواستم لباس نپوشم تمام روز خانه باشم، مشغول خواندن سکه کهنه که حالا باین خیال افتادم سکه کهنه جمع می کنم شوم. باز نشد. خانه ظل السلطان رفتم. خیلی صحبت شد. بعد خانه آدمم. کاغذ سختی به نایب السلطنه (نوشتن) استعفا از احتساب نمودم. بعد تا عصر با شیخ مهدی (۲) و عارف خان (۳) سکه های قدیم (را) که تازه خریده ام خواندیم..." (اعتماد السلطنه - ۴۱۳).

این تفنن و خرید و فروش آثار باستانی بیشتر در میان طبقه اعیان و اشراف جامعه در اواخر عهد ناصری رایج بوده است و آثار فرهنگ ایران بصورت طرق مختلف وارد مجموعه های خصوصی می شده است. یکی از این راه های ورود اشیاء به مجموعه های خصوصی بصورت هدیه بوده است که بهترین شاهد آن نوشته دکتر فوریه **Dr. Feuvrier** پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار است که بین سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ه. ق. در ایران بسر می برد و خاطرات خود را در این مدت می نوشته است. دکتر فوریه می نویسد:

"اعتماد السلطنه دریکی از مازاده های آهنگران گاشیهای زیبائی بدست آورد که اگر چه جلای گاشیهای طلائی را نداشتند ولی باز بی اهمیت نبودند، سه عدد از آنها را برداشت و بمن هدیه داد. . . . (دکتر فوریه - ۲۸۸).

در اینجا ذکر چند مورد از چگونگی بدست آوردن آثار باستانی که چنانکه نقل شد بآسانی هدیه داده میشد خالی از فایده نیست. ناصرالدین شاه قاجار ذیل خاطرات روز پنجشنبه ۱۷ رجب سال ۱۲۷۸ ه. ق. در سفرنامه کربلا و نجف خود در این مورد چنین می نویسد:

"امروز هم طلا شوئی گرفته بودند. من نرفتم. باد می آمد گرد و خاک بود. امین حضور میرزا علیخان محقق را فرستادم رفته طلا و نقره و اسباب زیاد درآوردند. . . . (ناصرالدین شاه - ۳۶۴).

اعتماد السلطنه نیز درباره بدست آوردن آثار باستانی باروش طلا شوئی که شرح داده خواهد شد شواهد زیادی ارائه می نماید که به یک نمونه آن به شرح زیر بسنده می شود.

"شاه دوشان تپه تشریف بردند. من خانه ماندم. عصر طرف شاهزاده عبدالعظیم بتماشای طلا شوئی رفتم. (اعتماد السلطنه - ۷۳۳).

درباره طرز عمل طلا شوئی در سفرنامه خراسان که توسط ا. هوتوم شیندلر (**A. Houtum Schindler**) آلمانی الاصل تبعه انگلستان که از طرف دولت انگلیس مامور کشیدن خط تلگراف در مسیر تهران - مشهد در ایران شده بود و در سال ۱۲۹۳ ه. ق. مطابق ۱۸۷۵ میلادی در مسیر یاد شده انجام وظیفه مینموده

است چنین می خوانیم که:

"بمسافت یک میدان، بسمت جنوب دامغان تپه (ای) واقعت به تپه حصار مشهور، چند ماه قبل از این در این تپه قدری اسباب قدیم پیدا شده و از آنوقت تا حال در آنجا کار می کنند و چیزهای غریب پیدا میکنند. دفعه اول که در دامغان بودم بتماشای آن تپه رفتم دیدم موافق قاعده کار نمی کنند، بآدمهایی که این کار میکردند گفتم که باین طور و بآن طور کار کنید، و آب بیاورید سر تپه که کار زودتر و بهتر تمام شود. دفعه دوم که آنجا بودم دیدم که بهتر کار میکنند و حاجی علی اکبر امین معدن هم خودش آنجا بود، و نهر آب آورده بودند که از داخل تپه میگذشت، و اسباب قدیم را بی شکستن بیرون می آورد. (ا. هوتوم شیندلر - ۲۰۶).

چنانچه ملاحظه شد منظور از طلا شوئی این بود که قسمتهائی از یک محل باستانی را که میبایست با صبر و حوصله زیاد و با دقت تمام توسط باستان شناسان تعلیم دیده حفاری و بررسی گردد با آب می شستند که در نتیجه گل و لای خاک و خاکستر با آب شسته میشد و اشیاء و آثاری که در آب غیر قابل حل شدن بودند و باندازه کافی نیز سنگین بودند که با آب از محل خارج نشوند باقی میماندند. علاوه بر طلا شوئی به روش فوق برای بدست آوردن اشیاء گاهگاه نیز کاوش و حفاری صورت می گرفت. ضمن این کاوشها و حفاریات گاهی خود سفارش دهنده نیز حضور داشت و زمانی نیز نماینده ای از طرف او باین کار مبادرت می نمود. چنانچه در یک مورد حفاری که به دستور ناصرالدین شاه صورت گرفته است اعتماد السلطنه ضمن خاطرات روز سه شنبه ۸ شعبان سال ۱۲۹۸ ه. ق. مطابق تیر ماه ۱۲۶۰ ه. ش. چنین می نویسد.

"... بعضی آثار خرابه در بعضی جاهای لار دیده می شود. بحکم همایون چند موضع را گندند. بعضی گاشیهای خوب بیرون آمد تا بعد چه شود. (اعتماد السلطنه - ۹۲).

علاوه بر حفاریات و کاوشهایی که به دستور شخص شاه و به منظور بدست آوردن اشیاء عتیقه برای مجموعه شخصی او انجام میگرفت،

حکام و استانداران و اطرافیان و نزدیکان درباری نیز اقدام به این نوع کاوشهای ویرانگر و غیر علمی می نمودند که سه مورد زیر خواهد گویائی از این گونه ویرانگریها و تاراج میراث فرهنگی ایران است.

۱- "دیگرانکه حسب الامر دولت علیه ایران نواب والا حاجی معتمد الدوله + (۴) به سرگاری میرزا باقر رابط مرودشت عمله مامور داشته اند سطح خرابه تخت جمشید را حفر نمایند که سبب پارینه بدست بیاورند. نواب والا هم خودشان عازم تخت جمشید هستند که چند روزی آنجا توقف نمایند." (وقایع اتفاقیه - ۶۸).

۲- "شاه سوار شدند. من به رود آورو به تپه مصنوعی که عارف خان را فرستادم آنجا مشغول حفاریات است رفتم. ۲۰۰۰ اعتماد السلطنه (۸۲۴).

۳- ".... من خانه شاهزاده های توپسراگان که از آشیای قدیم هستند مهمان بودم. از شهر گذشته بطرف رود آورو رفتم (۵) فندی (۵) که در این مدت پول از من گرفته مشغول حفاریات است هیچ کار نگرده و همه را مست بوده" (اعتماد السلطنه ۸۲۴) (۶).

اساس این تفنن و علاقمندی به آثار باستانی به خاطر خود آثار و یا ارج نهادن به ممیزات هنری و فنی و فرهنگی آنها به جهت کشف حقایق و دقایق نبوده است بلکه غایت امر بدست آوردن گنج بوده است و بس. درباره علاقه به گنج کنی و گنج یابی اعتماد السلطنه شاهد زیر را ارائه می نماید.

"شاه امروز به امین آباد تشریف بردند. آنچه معلوم شد مقصود از رفتن آنجا این بود که از وقتی که این گنج در محمودآباد پیدا شده تمام خیالات مصرف پیدا کردن گنج است و چون امین آباد از اراضی ری است باین جهت آنجا تشریف بردند و یک نقطه را معین کرده بودند که اگر خان نایب ناظر بگردد. گنده بود هیچ بیرون نیامده بود" (اعتماد السلطنه ۷۲۵).

گاهی طبیعت و عوامل مخرب آن نیز این احساس شدید گنج یابی و گنج کنی را نه تنها فعال نگاه میداشت بلکه آنرا تشدید نیز مینمود. مثلاً "سیل ویرانگری که در سال ۱۲۶۷ ه. ش. در هزار جریب

مازندران جاری گردید یکی از این موارد است که در بار آن اعتماد السلطنه چنین نوشته است که:

".... امروز شنیدم که ازدهات هزار جریب مازندران که بتول امین السلطنه است سیلی برخاسته ثلی را شسته دفينه ای آنجا از قبیل مسکوکات و جواهرات و طلا و نقره و غیر مسکوک بوده. تاچه بروز کنند" (اعتماد السلطنه - ۵۸۹).

تاسیس نخستین موزه در ایران

شواهد ارائه شده فوق دال بر وجود آثار باستانی و اشیاء عتیقه در مجموعه های خصوصی و نزد افراد است. در این باره که آبان آثار و مجموعه ها تماماً "و یا قسمتی از آنها در یک موزه عمومی حفاظت میشده اند هیچ گونه اطلاعی در دست نیست اما در اینکه بهیچیزیم که نوعی موزه اختصاصی در مجموعه بناهای سلطنتی قاجار در دوران سلطنت ناصرالدین شاه باید وجود داشته باشد شواهد مدارک محدودی در دست است. قدیمی ترین سندی که در این مورد در دست است عبارت اشاره آمیزی است به وجود نوعی موزه در بین بناهای کاخ سلطنتی ناصرالدین شاه در سفرنامه هوتوم شیندلر که نوشته است: "شاهنشاه بچند فرنگی اذن دادند که آن تپه و تپه های دیگر را بکنند، حیف است که این همه چیزهای قدیم از این ولایت ببرند خوب بود اگر همه چیز مثل آجر و مبرو غیره داخل موزه خانه شاهنشاه گذاشته می شد" (۱) هوتوم شیندلر - ۲۵۶).

و در جای دیگر نوشته است که:

"سه دانه مهرهم که حال در موزه خانه شاهنشاه هستند پیدا شده اند، و خطی که روی آن مهرها هست خط مغول قدیم است." (۱) ه. شیندلر - ۲۵۷).

برای نخستین بار در جمادی الاول سال ۱۳۳۵ ه. ق. برابر با ۱۲۹۵ ه. ش. به همت شخصی بنام مرتضی قلی خان ممتازالملک (۷) مجموعه ای از اشیاء مختلف ترتیب داده میشود و در محلی خاص نگهداری میشود که آنرا "موزه ملی" میخواند. برای موزه نظامنامه ای نوشته میشود و برای اشیاء کاتالوگی تهیه میگردد. در

این باره سید محمد تقی مصطفوی چنین مینویسد:

"... در این باره در بخشی از مقدمه نظامنامه و کاتالوک موزه ملی ایران که در سال ۱۲۹۵ ه. ش. در تهران چاپ شده است ... چنین می خوانیم:

"... تا در این اوقات وزارت معارف با حسن توجهات خاصه و مجاهدات مبذوله حضرت آقای مرتضی خان ممتازالملک وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بتاسیس یک چنین اساس تاریخی که در آتیه خدمات مهمه به ملت ایران خواهد نمود توفیق یافته محلی که مخصوص جمع آوری آثار تاریخی ایران است با اسم موزه ملی افتتاح کرده و ... (مصطفوی ۱-۳۸۸) (۸).

تاسیس موزه ملی در ایران را توسط مرتضی خان ممتازالملک که رسماً "و قانوناً" قسمتی از تشکیلات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تشکیل میداد باید آغاز ایجاد سازمان وسیع و گسترده ای دانست که در تشکیلات سازمان یافته علمی و اداری امروز کشور تحت عناوین مختلف در زمینه های تحقیقاتی و پژوهشی فرهنگی و باستانشناسی مشغول فعالیت هستند.

واگذاری امتیاز کاوش های باستانشناسی

و تاثیر آن در تطور تکاملی تشکیلات باستانشناسی در ایران

در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ ه. ش. مجلس شورای ملی وقت قرارداد امتیاز انحصار حفاریات و کاوش های باستانشناسی در تمام ایران را که توسط مظفرالدین شاه قاجار به دولت و اتباع فرانسه داده شده بود بطور مشروط لغو نمود. قبل از امضاء رسمی این قرارداد در ۱۳ ربیع الثانی سال ۱۳۱۸ ه. ق. مطابق ۱۱ ماه اوت ۱۹۰۰ میلادی ناصرالدین شاه نظیر چنین امتیازی را به دولت فرانسه داده بود. و در فصل هشتم قرارداد قید شده بود که دولت فرانسه بابت استفاده از این امتیاز باید ده هزار تومان به شاه پیشکش نماید (تصویر شماره ۱).

شاید امضاء همین قرارداد بود که سبب شد حاج زین العابدین مراغه ای (۹) که با اسم مستعار ابراهیم بیگ سفر نامه ای در سه جلد نوشته است و در خارج از ایران چاپ و منتشر نموده با حسرت هر چه تمامتر

از ناآگاهی مردم زمانه بنالد و به سوگاز دست رفتن میراث فرهنگی این مملکت بنشیند و چنین بنویسد که:

"احوالات قابل ظهور ننموده که سبب تصدیع شود، مگر اینکه چند روز قبل امتیاز کشف آثار عتیقه شوش و همدان و غیره را بتوسط وزیر مختار فرانسه بکمپانیه فرانس دادند. اگر چه ملت ایران از این عوالم بیخبرند، ولی آنها که سوء نتیجه این جور چیزها می دانند در بحر غم و الم غوطه ور گشته اند، که آن همه گنجهای بی پایان موروثی و اجدادی ما را که مادر وطن در شکم خود از چندین عصر جهت ایرانیان محفوظ داشته، و ملیونها ارزش داشت بیک صلواه فرنگی از دست دادند، در عوض این گنج پانزده هزار تومان میرزا علی اصغر خان صدراعظم برای خود گرفت و امتیاز آن را داد. اگر چه وعده شده بدولت هم حصه قسمت بدهند، ولی مسلم است یک انگشت بدهان ما موریکه از جانب دولت نظارت خواهد گرد می مالند و کار تمام میشود....." (ابراهیم بیگ - ۱۳۳).

علاوه بر دو امتیاز حفاری در ایران که توسط ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به دولت فرانسه واگذار گردید و بیشتر درباره آنها توضیح داده خواهد شد امتیازهای حفاری و کاوش در برخی از نقاط ایران به اتباع خارجه توسط حکام محلی داده شده است که به یک نمونه آن به شرح زیر اشاره میشود:

"دیگر آنکه عالیجاه داکتر هندریاس مسافر جرمانی از نواب والا اجازه حفر نمودن در تخت جمشید را تقاضا نمود و قید کرده بودند که اگر چیز جزئی حاصل حفر نمودن آنها شود مالیه آنها باشد و اگر کلی باشد از قبیل طلا یا سنگ قیمتی مختار باشند که یا بعین و یا قیمت عادلانه روز آن فلز را به دولت ایران بدهند. نواب والا این اجازه را ندادند و ولی آنها را ممنوع از حفر نمودن نکردند بشرط آنکه اگر چیزی پیدا شود تصرف نکنند." (وقایع اتفاقیه - ۷۹).

امتیاز حفاری و کاوش های باستانشناسی در تمام ایران که از طرف ناصرالدین شاه به دولت فرانسه داده شد در نوع خود اولین آنها است. این قرارداد که اولین اجازه نامه تاراج میراث فرهنگی ایران

باید نامیده شود در ۱۶ ذیقعد سال ۱۳۱۲ ه. ق. مطابق با ۳ ماه مه ۱۸۹۵ میلادی در هشت فصل تنظیم شده بود. از متن مواد هشتگانه قرارداد می‌توان به خوبی به درجه بی‌اطلاعی زمامداران وقت پی برد. درباره این امتیاز اعتماد السلطنه نوشته است:

"... از قراری که شنیده‌ام طولوزان امتیاز زمین‌گنی و طلا شوئی تمام ایران را گرفته است ... " (اعتماد السلطنه - ۱۵۵۸).
درباره دخالت دکتر تولوزان (

طبيب مخصوص ناصرالدین شاه که فرانسوی بوده است در گرفتن این امتیاز برای اتباع دولت فرانسه خانم زان دیولافوا چنین می‌نویسد:

"مارسل با دکتر تولوزان، دوست و طبیب ناصرالدین شاه روابط دوستانه‌ای داشت. در سفر اول به ایران، توصیه‌های او درهای مساجدی را که بروی ما بسته بودند باز کرد، و حتی اغلب اوقات امنیت خود را مدیون مراقبت‌های او بودیم. این بار نیز با و متوسل شدیم.

هنگامی که سفیر ما برای بار دوم با دولت ایران وارد مذاکره شد، دکتر تولوزان مستقیماً "بخود شاه مراجعه کرد و او را به کاوشهای باستان‌شناسی که تاریخ درخشان اسلاف کهن او را آشکار می‌کردند علاقه‌مند کرد." (دیولافوا - ۳-۲).

در ۱۴ ربیع الثانی سال ۱۳۱۸ ه. ش. برابر با ۱۱ ماه اوت سال ۱۹۰۰ میلادی مظفرالدین شاه امتیاز حفاری و کاوشهای باستان‌شناسی در تمام ایران را به مدت ۶۰ سال به دولت فرانسه واگذار نمود. این قرارداد در یازده فصل تنظیم شده بود که تقریباً "تمام مفاد قرارداد قبلی را شامل میشد. متن فصل‌های یازده‌گانه قرارداد بشرح زیر است (تصویر شماره ۲):

فصل اول - ما مورین محترمین فرانسه در تمام وسعت مملکت ایران اجازه دارند که تجسس نمایند مگر در امازدها و مساجد و قبرستانهای مسلمانان و مکانهای مقدسه و احترام و خوش سلوکی با اهل مملکت نمایند که عملی برخلاف رفتار و قانون باشد نمایند.

فصل دوم - دولت فرانسه متعهد است که هرگاه اسباب طلا و نقره کشف شود به وزن آن باید پول طلا و نقره تحویل خزانه دولتی ایران بنمایند و تمام باقی‌اشیاء به دو قسمت مابین این دو مملکت تقسیم شود مگر آنهایی که در حوالی شوش پیدا شده است بدون خسارت تعلق به دولت فرانسه دارد.

فصل سوم - اسبابهای طلا و نقره که کشف می‌شود باید بواسطه یکنفر از ماورین فرانسه و به اطلاع حاکم آن ناحیه و محل کشیده شده و بعد از معلوم کردن وزن، قیمت آنها باید سفارت فرانسه به دولت ایران سپردارد.

فصل چهارم - ما مور فرانسه اجازه عکس برداشتن و نقشه کشیدن و قالب برداشتن تمام مجسمه‌ها خواه صنعتی خواه خطوطی که تعلق به بناهای مذهبی مسلمانی نداشته باشد، حق دارد بردارد.
فصل پنجم - دولت علیه ایران متعهد است که به اهالی بلاد از علمای فرانسه احترام نمایند و حفظ نفوس و اموال آنها را داشته باشد و منزل و مسکن و حمل و نقل اسباب و سهولت داشتن گارها و مسافرت آنها را در بلاد آن دولت فراهم نماید.

فصل ششم - هرگاه دولت فرانسه بخواهد بنای کشف کردن را بگذارد باید اطلاع به دولت ایران بدهد که در آن نقطه معین دولت یکنفر ما مورعلیم و هوشیاری را تعیین نماید که مستحفظ آن ماورین محترم باشد و حفظ جان و مال آنها را بنماید و اسباب کار آنها را فراهم آورد و ملتفت باشد که قرار دولت خطا نشود.

فصل هفتم - علمای محترم فرانسه حق دارند که هر قسم انبار و خانه که لازمه کار آنها باشد بنا کنند چه برای مسکن خودشان و چه برای مستحفظین و یا جای اسبابهای عتیقه خودشان باشد.

فصل هشتم - هر قسم بار که به آنها برسد و یا از آنها خارج شود در خود مملکت کسی حق گمرک و بازدید آنها را ندارد و فقط در گمرکخانه سرحد مملکت است که حق بازدید دارند.

فصل نهم - دولت فرانسه تمام مخارج ماورین خود را تحمل می‌کند مگر مخارج لازم که برای محافظت داشتن ماورین محترم خود

که آن با دولت علیه است.

فصل دهم - تمام قراردادهای سابق که در این قرارنامه جدید ذکر گردیده است بکلی باطل است و صلا حدید مملکت طرفین است.

فصل یازدهم - دولت علیه ایران متعهد است که بتمام حکام ممالک خود اعلان نماید که آنچه در این قرارنامه جدید نوشته شده است باید شناسا و مجری گردد.

چنانچه ملاحظه می شود کمترین حقی برای ایران در این قرارداد در نظر گرفته نشده است و برای اینکه به اهمیت لغو آن، حتی بصورت مشروط، پی ببریم کافی است یک بار دیگر مفاد این قرار داد را از مدنظر بگذرانیم.

هر چند کلیشه این دو قرارداد را که تصاویر مقاله حاضر بطریقه زیراکس از روی آنها تهیه شده است می توان در کتابی که آقای غلامرضا معصومی تحت عنوان "باستانشناسی در ایران" در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی نوشته و چاپ و منتشر نموده اند ملاحظه نمود ولی بویسنده محترم از محل نگاهداری اصل اسناد اطلاعی بدست نداده اند تا بتوان کلیشه های مناسب تهیه نمود.

از لغو مشروط امتیاز حفاری در ایران تا تشکیل اداره کل باستانشناسی بیست و هفت سال بعد از امضاء قرارداد مظفرالدین شاه در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ ه. ش. مجلس شورای ملی وقت آن را بطور مشروط کان لم یکن تلقی نمود و مفاد آن را غیرقانونی اعلام نمود. درباره شرط لغو امتیاز در کتاب "باستانشناسی ایران" چنین می خوانیم "در این هنگام موافقت شد که هیئت فرانسوی تنها در شوش به کاوش و بررسی بپردازد و دولت ایران تقبل نمود که یک موزه و یک کتابخانه در تهران بنا کنند و ریاست آنرا تا مدت ۵ سال به یکنفر فرانسوی واگذار نماید و تعهد کرد که حداقل قرارداد این فرد فرانسوی تا سه نوبت هر دفعه پنج سال تمدید یا فرد دیگر فرانسوی را برای همین منظور استخدام کند، این بود که دولت ایران در ۱۳۰۶ خورشیدی از آقای آندره گدار دعوت نمود که به ایران بیاید و آندره گدار در سال ۱۳۰۸

در ایران رسماً شروع بکار کرد. " (معصومی، ۹-۸).

لغو مشروط امتیاز انحصار حفاری و کاوش باستانشناسی در ایران که به دولت فرانسه داده شده بود در گرونیها و تحولاتی را در شکل گیری سازمانی که امروز بنام مرکز باستانشناسی ایران نامیده میشود در پی داشت. ولی قبل از پرداختن به چگونگی آن تحولات و تغییرات اشاره ای مختصر به جابجائی "موزه ملی" خالی از فایده نیست.

در سال ۱۲۹۲ ه. ش. (دو سال بعد از افتتاح موزه ملی توسط مرتضی خان ممتازالملک) وزمانی که آقای ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را بعد از داشت جزو تشکیلات این وزارتخانه اداره ای بوجود آورد بنام اداره عتیقات و شاعربلند وازه ایرانی مرحوم ایرج میرزا جلال الممالک را بریاست آن اداره منصوب نمود. در این هنگام کارمندان اداره عتیقات عبارت بودند از: قایم رضاقلی رفیع الملک، رضاقلی نوروزی، سلیمان سپهبدی، حیدرقلی شاملو (عون الوزاره) که صندوقدار اداره بود و بالاخره حاج اسدالله شالغرو شارباز موزه. محل موزه همچنان در مدرسه دارالفنون واقع شده بود. در سال ۱۳۰۴ کاخ اختصاصی ظل السلطان در تهران که به نام بانیش مسعودیه خوانده میشد از طرف رئیس الوزرای وقت خریداری و به وزارت معارف اختصاص داده شده. اداره عتیقات که در این زمان بعزلت درآمد حاصله از ارزیابی اشیاء و اجازه حفاری به متقاضیان حفاریات تجارتی اهمیتی بی سابقه پیدا کرده بود نظر مقامات را به خود جلب نمود و برای اینکه از درآمدهای حاصله استفاده های دیگری شود اداره عتیقات بصورت کوچکتری با نام شعبه عتیقات بکار خود ادامه داد و بعداً "باشعبد انطباعات وزارت معارف، در یک اداره کل ادغام گردید و به محل جدید وزارت معارف در عمارت مسعودیه منتقل شد. اشیاء موزه ملی نیز به اطاقی در همان ساختمان منتقل شد و تا زمان اتمام ساختمان فعلی موزه ایران باستان در همان اطاق باقی ماند. (مصطفوی ۱) ولی در دسترس مشاهده و استفاده کسی از خارج قرار نمیگرفت. پس از اینکه قرار شد آقای گدار (Andre Godard) رسماً بعنوان مامور دولت ایران

کار خود را از آغاز سال ۱۳۰۸ شروع کند اداره امور عتیقات به ایشان سپرده شد (۱۱) و آقایان سلیمان سپهبدی با سمت بازرسی عتیقات و حیدرقلی شاملو (عون الوزاره) در سمت ریاست موزه با همکاری با آقای گداربکار خود ادامه دادند.

مجلس شورای ملی دوره پنجم در ۲۵ مهرماه ۱۳۰۶ ه. ش. به دلایل وانگیزه های متفاوت و بطور مشروط چنانکه گذشت امتیاز انحصار حفاری در تمام ایران را که به یک دولت فرانسه داده شده بود لغو نمود. در ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ ه. ش. قانون عتیقات و دو سال بعد در ۲۸ آبان ماه آئین نامه اجرائی آن از تصویب هیئت دولت بشرح زیر گذشت:

"..... از این رو با مساعی مرحوم محمد علی ذکاء الملک فروغی در تاریخ ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۹ شمسی قانونی بنام "عتیقات" بتصویب مجلس شورای ملی رسید و آئین نامه اجرائی آن نیز در ۲۸ آبان ماه ۱۳۱۱ از تصویب هیئت دولت گذشت و از آن تاریخ اداره نوین یاد عتیقات دست بکار و وظیفه فنی خود گذشت .." (شی ریا حکمت) (صفحه ه تا ز)

قانون عتیقات در بیست ماده تنظیم شده بود که ماده نوزدهم اشاره دارد به نظام نامه قانون که بعداً در پنجاه و دو ماده شامل ماده اول، تعریف - از ماده دوم تا یازدهم، فصل اول (عتیقات غیر منقول) - از ماده دوازدهم تا هفدهم، فصل دوم (عتیقات منقول) - از ماده هیجدهم تا سی و هفتم، فصل سوم (حفاری و از ماده سی و هشتم تا پنجاه و دوم، فصل چهارم (تجارت عتیقات). بعداً در اجرای بند ۷ و تبصره های ۱ و ۲ ماده ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب تیرماه ۱۳۴۷ شمسی "آئین نامه خرید و فروش اشیاء عتیقه" در سه فصل و شامل پنج ماده به ضوابط قبلی قانونی و اجرائی عتیقات اضافه گردید.

با تصویب قانون عتیقات توسط مجلس اداره عتیقات که چندی پیش بصورت شعبه عتیقات با شعبه انطباعات ادغام شده و بصورت اداره انطباعات در آمده بود، مجدداً بصورت یک سازمان مستقل

بنام "اداره عتیقات" تابع وزارت معارف گردید، هر چند تا تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۱۳ شمسی هنوز عنوان رسمی این اداره با وجود دارا بودن دفتر و مهر مخصوص با اداره انطباعات در مراسله های رسمی اداری اشتباه میشده است (رجوع شود به خط آخر نامه شماره ۶۱۳۱/۵۰۶۸۵ مورخ ۲۹/۱۰/۱۳۱۳ وزارت معارف که کلیشه آن در تصویر شماره ۳ از روی کتاب "باستانشناسی ایران" تهیه گردیده است). پس از رسمیت یافتن "اداره عتیقات" بعنوان یک سازمان قانونی آقای گدار که از آغاز سال ۱۳۰۸ رسماً به خدمت دولت ایران استخدام شده بود در این اداره مشغول انجام وظیفه گردید. دامنه فعالیت آقای گدار بسیار گسترده بوده و شامل تقریباً کلیه زمینه های در رابطه با باستانشناسی اعم از قسمت عملی و آموزشی میشده است. علاوه بر نامه قبل که رونوشت آن برای گدار با عنوان "رئیس کل عتیقات" ارسال گردیده است (تصویر شماره ۳) نامه ای دیگر با امضاء وزیر معارف وقت در دست است که به آقای سید محمد تقی مصطفوی که با عنوان "عضو اداره عتیقات" در آن اداره انجام وظیفه مینموده در ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۱۳ شمسی نوشته شده و در آن یادآوری شده است که "در مسائل فنی باید از مسیو گدار کسب تعلیمات نماید ولی در امور اداری تابع رئیس معارف اصفهان باشد" (تصویر شماره ۴).

آقای گدار که در اثر لغو امتیاز نامه سال ۱۹۰۰ میلادی در سال ۱۳۰۸ شمسی رسماً به استخدام دولت ایران در آمده بود در سال ۱۳۱۲ شمسی به یکی از تعهدات خود عمل و ساختمان موزه ای نوین را که نقشه آنرا نیز خود طرح کرده بود در محل فعلی موزه ایران باستان آغاز نمود. بنای ساختمان به معماری حاج عباسعلی معمارباشی به اتمام رسید و در سال ۱۳۱۵ اشیاء موزه ملی از عمارت مسعودیه به این ساختمان انتقال داده شد. در سال ۱۳۱۶ شمسی این موزه رسماً بانام "موزه ایران باستان" افتتاح گردید و قسمت اداری اداره عتیقات نیز باین ساختمان انتقال یافت.

به تحقیق معلوم نیست از چه زمانی نام اداره عتیقات به اداره

کل باستانشناسی تغییر پیدا کرد. (۱۳) مرحوم سید محمدتقی مصطفوی در مقاله خود با عنوان " تلاش در راه خدمت بآثار ملی و امید به آینده " (مصطفوی ۱) اطلاع می دهد که اداره امور عتیقات ابتداء جزء تشکیلات وزارت فرهنگ (معارف سابق) می گردد و بانام "اداره کل باستانشناسی" آغاز به کار می نماید و دکتر علی فرهنگندی (علیم الملک) (۱۴) از ۱۳۱۳/۴/۲۴ تا ۱۳۱۸/۹/۹ در مقام ریاست آن اداره انجام وظیفه مینموده است. با توجه به تاریخ دو نامه ای که قبلاً شرح آنها گذشت (تصویر شماره ۳ و ۴) قدر مسلم این است که تا تاریخ اسفند ۱۳۱۳ هنوز نام این سازمان " اداره عتیقات" بوده است. از طرفی آقای غلامرضا معصومی نیز در کتاب "باستانشناسی ایران" خود که برای نوشتن آن از امکانات وسیع استفاده از آرشیوها و بایگانیهای مختلف برخوردار بوده است در روشن شدن این امر کمکی ننموده اند. در کتاب اخیر ضمن معرفی اشخاص تصویر صفحه ۱۸ که در بهار سال ۱۳۱۲ عکس آن برداشته شده است در مورد مسئولیت آقای دکتر فرهنگندی می نویسد "شادروان دکتر علی فرهنگندی (علیم الملک) رئیس اداره کل باستانشناسی و در معرفی اشخاص عکس دیگری که در همان تاریخ از عده ای از صاحب منصبان وزارت معارف برداشته شده و در صفحه ۲۰ کتاب کلیشه شده است آقای دکتر فرهنگندی را چنین معرفی مینماید " دکتر علی فرهنگندی (علیم الملک) رئیس کل عتیقات " (معصومی ۱۸ و ۲۰).

در زمان وزارت آقای دکتر علی اصغر حکمت سرلشکر علی ریاضی به مدت چهل روز از ۹ آذر ماه سال ۱۳۱۸ تا ۲۰ دی ماه همان سال در وزارت اسمعیل مرآت به ریاست اداره کل باستانشناسی منصوب گردید (۱۵).

فقط به کمک استفاده از بایگانیهای وزارت فرهنگ و مرکز باستانشناسی ایران است که میتوان بطور دقیق تحولات اداره امور را در اداره کل باستانشناسی مورد بررسی قرار داد که برای نگارنده مقدور نیست و به همین مناسبت باید از اسناد منتشره استفاده نمود. در سال ۱۳۲۵ شمسی در فاصله بین هشتم مهرماه تا هفتم دیماه همان سال

آقای نصرت الله مشکوتی در مقام ریاست اداره کل باستانشناسی انجام وظیفه مینموده اند که مصادف است با کشف آثار ارزنده فرهنگی از زیویه کردستان (مصطفوی ۱ و کیخسروی).

به تحقیق از آغاز ریاست مرحوم سید محمدتقی مصطفوی بر اداره کل باستانشناسی اطلاعی در دست نداریم. سندی را آقای رشید کیخسروی در کتاب خود منتشر نموده است که تاریخ آن ۸ اسفند ماه ۱۳۲۸ است. در این سند که صورت مجلس تقسیم اشیاء مکشوفه در زیویه کردستان است آقای گدار بعنوان مدیر کل باستانشناسی و محمد تقی مصطفوی بعنوان رئیس اداره کل باستانشناسی و آقای سلیمان سپهبدی بعنوان مدیر موزه آنرا امضاء نموده اند (کیخسروی - ۱۹ - ۱۱۸، سند شماره ۷). پس از درگذشت مرحوم حیدرقلی شاملو آقای سلیمان سپهبدی از ۱۹ خرداد ماه ۱۳۱۴ تا ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۲۹ که بازنشسته گردید در مقام مدیر موزه ایران باستان انجام وظیفه مینموده است (مصطفوی ۱).

در سال ۱۳۳۲ ماموریت آقای آندره گدار در ایران خاتمه یافت و تا آبان ماه ۱۳۳۲ که مرحوم سید محمدتقی مصطفوی بازنشسته گردید ریاست اداره کل باستانشناسی ایران با مرحوم مصطفوی بود. از زمان تاسیس اداره کل عتیقات که بعداً " تغییر نام داد و بنام اداره کل باستانشناسی خوانده شد تا خرداد ماه ۱۳۴۳ این سازمان در زمینه های مختلف بررسی و کاوش و مرمت و تعیین حدود آثار باستانی و ثبت آنها فعالیت داشت. در چهار جلد گزارشهای باستانشناسی که چاپ و منتشر گردیده است نمونه هایی از این فعالیتها را میتوان مطالعه نمود. موزه ایران باستان نیز در این مدت به فعالیتهای فرهنگی در محدوده مسئولیتهای محوله ادامه میدهد. هیئت های مختلف باستانشناسی اعم از ایرانی و غیر ایرانی بر اساس ضوابط قانونی در نقاط مختلف ایران مشغول بررسی و کاوشهای علمی بودند. عده ای دلال اشیاء عتیقه نیز بموجب اجازه ای که در مواد قانون عتیقات و آئین نامه های اجرائی آن برای همین منظور در نظر گرفته شده بود به حفاری که در حقیقت غارت و تاراج آثار باستانی و ویرانی میراث

فرهنگی ایران بود بطور قانونی و بدون مزاحمت به مخدوش نمودن صفحات تاریخ فرهنگ ایران و بشریت مشغول بودند. نمونه بسیار مشتمل کننده این چنین غارتی را میتوان در کتابی که توسط آقای رشید کیخسروی و نقدی که بر آن توسط آقای دکتر ایرج واقعی نوشته شده است مورد مطالعه قرارداد و از اینهمه بی توجهی مسئولان امور حسرت خورد (کیخسروی و دکتر واقعی ۳۸-۲۷). البته با استفاده از بایگانیهای مرکز باستانشناسی ایران و وزارت فرهنگ و آموزش عالی می توان به تعداد پروانه های حفاری تجارتي که صادر گردیده است دفعات تاراج میراث فرهنگی این مملکت را احصاء نمود ولی در مورد آنچه حفاران غیر قانونی تاکنون انجام داده و هنوز هم بکار خود ادامه می دهند هیچگاه نمی توان آماری دقیق تهیه نمود. این گونه اشخاص تابع هیچ قانون و نظامی نیستند. نامه "ستاد عملیاتی انقلاب اسلامی قم، دفتر نامه های امام" و بخشنامه های مختلف وزارت کشور و نخست وزیری نمایانگر ادامه این گونه حفاریات و ویرانگری تا سال ۱۳۶۰ است (مرکز باستانشناسی ایران). گزارشی که در چند قسمت از روز ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۴ در روزنامه کثیرالانتشار کیهان منتشر گردیده ابعاد وحشتناک این گونه حفاریات غیر قانونی را به اختصار توصیف کرده است (روزنامه کیهان عصر).

درباره خروج اشیاء و آثار باستانی از مملکت مرحوم مصطفوی نمونه ای را نقل نموده است که از جهات مختلف قابل توجه است که بخشی از آن در اینجا نقل میشود.

"مهمترین قسمت پارچه ها نصیب مستر رید انگلیسی که در استخدام دولت ایران و معاون خزانه داری کل بود گردید. مشارالیه دین اسلام اختیار نموده عبدالرضا خان نامیده می شد. بقواریه که اشخاص مطلع اظهار می داشتند مستر رید یا عبدالرضا خان قریب پانزده کیلوگرم پارچه های مکشوف در مقابرا مین آباد را بمبلغ سی هزار ریال (بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ شمسی) با اطلاع مقامات مربوط وزارت فرهنگ آن موقع خریداری و از ایران خارج نمود و هنوز هم قسمتی از آنها را در اختیار و تصرف خود دارد و قطعاتی از آنها رانیز

فروخته است" (مصطفوی ۲-۲۸۴).

تشکیل وزارت فرهنگ و هنر، "مرکز باستانشناسی ایران" نام جدید "اداره کل باستانشناسی"

در خرداد ماه ۱۳۴۳ وزارت فرهنگ و هنر به لیست وزارتخانه ها اضافه گردید (۱۶) و آقای مهرداد پهلبد به این وزارت منصوب شد (۱۷). بعلت انتساب سببی با سلسله پهلوی از آغاز ایجاد این وزارتخانه تا قبل از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ آقای پهلبد در تمام دولت ها بعنوان وزیر فرهنگ و هنر عضویت داشت. هر چند وزیر این وزارتخانه همیشه ثابت بود، در عوض تغییرات داخلی این وزارتخانه متواتر بود. ابتداء عبارت "فرهنگ عامه" به نام "اداره کل باستانشناسی" افزوده شد و بهمین مناسبت جزوه آئین نامه خرید و فروش اشیاء عتیقه "راوزارت فرهنگ و هنر، اداره کل باستانشناسی و فرهنگ عامه منتشر نمود.

در ابتدای تشکیل وزارت فرهنگ و هنر اداره مرکز باستانشناسی ایران به آقای عبدالعلی پورمند که سابقا "عضو سازمان فرهنگ عامه که محل اداره آن در یکی از ساختمانهای کاخ گلستان واقع شده بود و ریاست آنرا مهرداد پهلبد بعهدہ داشت انجام وظیفه مینمود، واگذار گردید. در تغییر بعدی که در این وزارتخانه بعمل آمد معاونت قسمت فرهنگی وزارتخانه به آقای پورمند داده شد که پنج اداره کل را شامل میشد. ادارات کل پنجگانه عبارت بودند از: فرهنگ عامه، آثار تاریخی، موزه ها، موزه ایران باستان و مرکز باستانشناسی ایران. کلیه امور مربوط به کاوشها و بررسی های باستانشناسی به مرکز باستانشناسی ایران واگذار گردید. دوسازمان "انجمن آثار ملی" و "سازمان حفاظت آثار باستانی" با وجودی که جزو تشکیلات وزارت فرهنگ و هنر نبودند ولی مستقل از ادارات کل پنجگانه نامبرده در فوق عمل مینمودند.

تا قبل از انتصاب آقای دکتر فیروز باقرزاده در حدود سال ۱۳۵۱ بریاست مرکز باستانشناسی ایران ابتدا آقای پورمند و سپس برای مدت یکسال آقای دکتر حسین طیب نعیمی ریاست و اداره مرکز را

بعده داشتند .

در فاصله بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ و نیمه اول سال ۱۳۵۷ فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف علمی در این مرکز با اندازه‌های چشم‌گیر بود که این دوره کوتاه را باید فعالترین دوره مطالعات و تحقیقات باستانشناسی علمی در ایران از زمان تشکیل موزه ملی در سال ۱۲۹۵ تاکنون دانست . فعالیتهای عمده پژوهشی و اداری مرکز را در این دوره می‌توان بشرح زیر برشمرد .

۱- از نقطه نظر تعداد هیئت‌های پژوهشی باستانشناسی با ملیت‌های مختلف براساس آمار منتشر شده در ۱۳۵۳ از ۴۵ هیئت باستانشناسی که به فعالیتهای تحقیق علمی در زمینه‌های مختلف باستانشناسی در ایران می‌پرداختند ۲۸ هیئت مشغول حفاری و کاوش علمی و بقیه به بررسی و شناسائی آثار سطحی اشغال داشتند (گزارشهای سومین مجمع سالانه) . هم‌چنین براساس آثار ارائه شده در سال ۱۳۶۳ از ۲۳ هیئت علمی باستانشناسی که در ایران مشغول پژوهش بودند ۱۱ هیئت مشغول کاوش و ۱۲ هیئت به بررسی می‌پرداختند . در همین آمار آمده است که در همین سال ، یعنی ۱۳۵۷ از مرکز باستانشناسی و دانشگاه تهران ۹ هیئت به کاوش و ۱ هیئت به بررسی مشغول بودند (گزارش فعالیت‌های پژوهش ، حفظ و احیاء میراث فرهنگی) .

۲- از نقطه نظر برگزاری سمینارها و کنفرانسهای مهم و بدون وقفه این دوره را باید اوج شکوفائی تبادل نظرهای تحقیقاتی پژوهشهای علمی بین صاحب نظران ایرانی و غیرایرانی محسوب نمود . نتیجه این سمینارها مجلدات گزارشهای مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی در ایران است که در سومین گزارش ۱۴ مقاله فارسی و ۲۹ مقاله به زبانهای دیگر در آن چاپ و منتشر گردیده است . گزارش آخرین مجمع سالانه که در پائیز سال ۱۳۵۶ برگزار گردید هنوز منتشر نشده است .

۳- انتشار ۱۲ شماره مجله وزین " باستانشناسی و هنر " که از مجلات بسیار معتبر باستانشناسی محسوب میشد و مورد استفاده پژوهشگران و محققین در زمینه‌های مختلف فرهنگ و هنر ایران قرار

میگرفت . اطلاعات موثق در دست است که شماره ۱۳ این مجله که قرار بود بعد از فروردین ۱۳۵۷ توزیع شود بعد از مرحله صحافی کار انتشار آن تاکنون به تعویق افتاده است .

۴- جهت هر چه بیشتر غنی کردن پشتوانه و بنیه علمی مرکز باستانشناسی ایران مسئولین امر وسیله استفاده از امکانات تحصیلی و تحقیقاتی را در دانشگاههای معتبر ایران و خارج از ایران برای کارشناسان جوان شاغل در مرکز فراهم نمودند که در حال حاضر بسیاری از کارشناسان متخصص و متعهد مرکز باستانشناسی ایران را همین افراد که پس از اتمام تحصیل به ایران مراجعت نمودند تشکیل میدهند .

۵- انتقال عده‌ای از کارشناسان قدیمی اداره کل باستانشناسی از مرکز باستانشناسی ایران به سایر بخشهای حوزه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر که این انتقال موجب گردید تا آن بخشها نیز بتوانند از وجود کارشناسان با سابقه استفاده نمایند .

در این دوره نه فقط نامه‌هایی با متنی که در تصویر شماره ۴ آمده است نوشته نمیشد ، بلکه هیئت‌های مشترک علمی ایرانی و خارجی تشکیل میگردد تا به بررسی و کاوش آثار باستانی بپردازند . در جلسات سمینارها و کنفرانسهای بین‌المللی باستانشناسان ایرانی با هم‌تایان غیر ایرانی خود در حالیکه وجه مشترکشان تخصصهای علمی بود به دوریک میز مذاکره و بحث و تبادل نظر می‌نشستند . چنانچه کنگره‌ای جهانی در رابطه با آثار فرهنگی و باستانی ایران در کشورهای دیگر همراه با نمایشگاه آثار تشکیل میشد هسته مرکزی هیئت را باستانشناسان مرکز باستانشناسی ایران و گروه باستانشناسی دانشگاه تهران تشکیل میداد و نه مانند سابق که به یک نمونه از آن بشرح زیر اشاره خواهد شد .

" کنگره و نمایشگاه صنایع لنینگراد . دولت ایران در نمایشگاه صنایع لنینگراد شرکت نموده و آثار تاریخی و هنری ایران در نمایشگاه مزبور بمعرض نمایش گذاشته شد . هیئتی بریاست آقای حکمت وزیر معارف و مرکب از آقایان دکتر سیاسی و دکتر صدیق ، معاضد مهندس

طاهرزاده بهزاد، دکتر صورتگر برای شرکت در نمایشگاه شوروی اعزام گردید. آقای مسعودی مدیر اطلاعات نیز در معیت هیئت نمایندگی بلنیتگر اعزام نمود. . . . ("اطلاعات - ۱۴۱).

در این اواخر اعضاء و کارشناسان مرکز باستانشناسی ایران دیگر بعنوان نماینده جهت تنظیم صورتجلسات اشیاء بدست آمده برای تقسیم بین دولت ایران و هیئت حفاریا بررس همراه هیئت ها اعزام نمی شدند. با تحولاتی که بوجود آمده بود اصولاً دیگر اشیاء بدست آمده تقسیم نمی گردید و بلکه تماماً "متعلق به دولت می شد و کارشناسان غیر ایرانی برای مطالعه آثار بدست آمده مجبور بودند با استفاده از امکاناتی که در مرکز باستانشناسی ایران بوجود آمده بود به تحقیق و مطالعه بپردازند.

باین ترتیب حدود ۷۵ سال بطول انجامید تا داغ ننگین فصل هشتم امتیاز انحصار حفاری در ایران که در سال ۱۹۰۰ میلادی بین دولت ایران و یک دولت خارجی بصورت یک قرارداد رسمی درآمده بود زود شده و هویت باستانشناسی ایران در خور شئونات ایرانیان گردد.

دانشگاه تهران و تاثیر آن بر تحول باستانشناسی در ایران
روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی سنگ اول بنای دانشگاه تهران که بصورت لوحه ای نقره ای که در داخل جعبه ای سنگی قرار داشت در محل فعلی نصب گردید. اولین دکترای افتخاری به آقای آندره اونورا سناتور و وزیر سابق و رئیس شهر بین المللی دانشگاه پاریس که به نمایندگی از طرف رئیس جمهور فرانسه با اتفاق پروفیسور هانری ماسه در بجه اول مرداد ماه ۱۳۱۶ بایران آمده بود در اواخر مرداد ماه این سال اهدا گردید. لباس رسمی استادی دانشگاه تهران نیز بایشان داده شد تا در مراسم اهدا دیپلم دکترای افتخاری بیوشند (اطلاعات - ۱۳۵ و ۱۶۱). درباره ایجاد گروه آموزشی باستانشناسی در دانشگاه تهران باید به تاریخ ایجاد دانشکده ادبیات مراجعه نمود. در این باره در راهنمای دانشکده ادبیات چنین میخوانیم. "تاریخ دانشکده ادبیات از سال ۱۲۹۸ شمسی یعنی تاسیس

(دارالمعلمین مرکزی) آغاز میشود. در سال ۱۳۰۸ شمسی (دارالمعلمین عالی) بردارالمعلمین مرکزی افزوده گشت و طبق اساسنامه ای که در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۸ بتصویب مجلس شورای ملی رسید دارالمعلمین عالی به دو شعبه "ادبی و علمی" تقسیم گردید. در مهرماه ۱۳۱۱ دارالمعلمین عالی به باغ نگارستان (ساختمان شماره ۲ فعلی دانشگاه ادبیات) نزدیک بهارستان منتقل شد و در ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ بدانشسرای عالی تغییر نام یافت.

در ۱۵ بهمن سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران بنا به دستور رضاشاه پایه گذاری شد طبق تصویب نامه شورای عالی فرهنگ و دانشکده ادبیات و علوم تاسیس شد و چون برنامه تحصیلی این دو دانشکده با برنامه دانشسرای عالی مطابقت داشت این دو دانشکده با دانشسرای عالی تا سال ۱۳۳۱ تاوما "بگار خود ادامه میداد. در آن سال دانشکده ادبیات و دانشکده علوم از هم جدا شدند و تا سال ۱۳۳۴ دانشکده ادبیات دانشسرای عالی بایک سازمان اداری و آموزشی اداره می شدند لیکن از آن سال دانشکده ادبیات از دانش سرای عالی مجزا و در سال ۱۳۳۷ به محوطه دانشگاه تهران منتقل شد.

پیش از شهریور ماه ۱۳۲۰ دانشکده ادبیات مرکب از رشته های زبانهای خارجه، زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیا باستانشناسی، فلسفه و علوم تربیتی بود و عده فارغ التحصیلان آن در سال ۱۳۱۹ نزدیک به ۱۰۰ نفر بود. " (راهنمای دانشکده ادبیات - ۹).

اولین گروه فارغ التحصیلان رشته باستانشناسی در حدود سالهای ۱۳۲۸-۹ دانشگاه را ترک نمودند تا عده ای از آنها در اداره کل باستانشناسی وقت مشغول انجام وظیفه شوند. آماری که در شماره اول مجله دانشکده ادبیات انتشار یافته است تعداد دانشجویان رشته باستانشناسی را ۱۴ نفر در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ و قبل از آن تعیین کرده است. این آمار بصورت زیر تنظیم یافته است (برای سال ۱۳۳۱-۲)

عده افراد	شرکت در امتحانات خرداد	امتحانات شهریور
سال اول ۷۸ نفر	۶۱ نفر	۱۷ نفر

باتوجه به آمار فوق تعداد شرکت کننده در امتحانات خرداد و شهریور ماه سال تحصیلی ۱۳۳۱-۲ که ۷۸ نفر بوده است با مقایسه با شرکت کنندگان دانشجویان سال سوم همان سال رقم قابل توجهی است. از پاییز سال ۱۳۴۹ که نگارنده به تدریس در گروه آموزشی باستانشناسی و تاریخ هنر در دانشگاه تهران اشتغال دارم تاکنون به تعلیم بیش از ۳۵۰ دانشجو پرداخته‌ام که صورت اسامی آنان موجود است از این عده تعداد انگشت شماری جذب سازمانهای ذیربط شده‌اند و بقیه به کارهای اشتغال دارند که کمترین ارتباطی با پایه و میزان تحصیلاتشان ندارد و این مسئله باید با توجه بیشتری مورد تجدید نظر برنامه ریزان جذب نیروها در مملکت قرار گیرد.

در سال تحصیلی ۳-۱۳۴۲ که رشته‌های تحصیلی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بصورت گروههای آموزشی در آمدند و برای هر گروه مدیری انتخاب گردید تا امور مربوط به آن گروه را با استقلال بیشتری از نقطه نظر برنامه ریزی آموزشی اداره نماید مدیریت گروه آموزشی باستانشناسی را آقای دکتر عیسی بهنام بعهده داشتند. مرحوم دکتر بهنام که در سال ۱۳۱۸ از محل کارشان در اداره کل باستانشناسی به دانشگاه تهران منتقل شده بودند به همراه مرحوم کلنل علینقی وزیری و دکتر محسن مقدم و چند تن دیگر از اساتید دانشکده ادبیات به تعلیم و تربیت دانشجویان همت نمودند و به حق می‌توان مرحوم دکتر بهنام را پدر معنوی تمام باستانشناسانی که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده‌اند دانست. پس از بازنشسته شدن مرحوم دکتر عیسی بهنام یکی از دانشجویان این گروه که پس از اخذ درجه لیسانس برای تکمیل تحصیلات به آمریکا سفر کرده بود بعد از خاتمه تحصیلات بایران مراجعت و در این گروه مشغول تدریس و تحقیق شد. آقای دکتر عزت الله نگهبان که در سال ۱۳۳۶ بایران مراجعت نمود پس از دکتر بهنام به مدیریت گروه انتخاب گردید. هنگامی که ایشان با سمت استادی در گروه باستانشناسی

و تاریخ هنر انجام وظیفه می‌نمود در سال ۱۳۴۰ اولین حفاری مشترک دانشگاه تهران و اداره کل باستانشناسی رادر تپه مارلیک (چراغعلی تپه) سرپرستی نمود.

در تابستان سال ۱۳۴۹ تغییر عمده و بی سابقه‌ای در برنامه آموزشی این گروه داده شد. در برنامه جدید دروس علمی الزامی برای دوره لیسانس و فوق لیسانس گنجانیده شد بطوریکه بدون گذراندن این دروس هیچ دانشجویی فارغ التحصیل شناخته نمی‌شد. مدت زمان دروس علمی یک ترم تحصیلی بود که دانشجویان موظف بودند درموز علمی تحقیقی و پژوهشی باستانشناسی را زیر نظر اساتید تمام وقت گروه فراگیرند و ارزش واحدی آن نیز بیست واحد در نظر گرفته شده بود. (برای دوره لیسانس بیست واحد و برای دوره فوق لیسانس هشت واحد که برابر یک ترم تحصیلی برای هر مقطع تحصیلی بود).

اجرای برنامه جدید در نحوه جذب دانشجو بسیار موثر واقع گردید زیرا فقط آن دسته از داوطلبینی که صرفاً "دانشجو بوده و در خارج از دانشگاه شغل معینی نداشتند برای تحصیل در این رشته ثبت نام و ادامه تحصیل میدادند و تحصیل مدرک تحصیلی بالاتر برای استفاده از مزایای آن در سایر امور اشتغالی در درجه بعدی اهمیت قرار می‌گرفت. دلیل عمده اضافه نمودن دروس علمی به برنامه آموزشی گروه را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود.

ایران را از نقطه نظر جغرافیای فرهنگی باید چهارراه برخورد آرا و عقاید و تماس فرهنگهای مختلف خاور نزدیک محسوب نمود. با بررسی و کاوش دقیق علمی در هر قسمت از این کشور میتوان به اسرار ناگشوده فرهنگ منطقه دسترسی پیدا کرد. باستانشناسان و انسانشناسانی که در ایران به پژوهش اقدام نمودند معترفند که نتیجه تحقیقات آنها در روشن کردن زوایای تاریک فرهنگ منطقه وسیع خاور نزدیک سهم بسزائی داشته است. چنانکه فقط پس از کشف رمز خواندن خط میخی فارسی باستان بود که رمز خواندن خطوط میخی سومری و بابلی و آشوری و . . . بدست آمد. از طرفی چون هدف اصلی در تغییر برنامه آموزشی گروه باستانشناسی تعلیم و

تربیت کارشناسان متخصص ایرانی بود که بتوانند در زمینه های تحقیقات باستانشناسی مستقلاً و بدون نیاز مبرم به کارشناسان خارجی به پژوهش بپردازند آشنائی آنها به رموز فنی و عملی پژوهشهای باستانشناسی ضروری تشخیص داده شد . دروس عملی بگونه ای تنظیم شد بود که دانشجویان از چگونگی تقاضای مجوز حفاری و برنامه

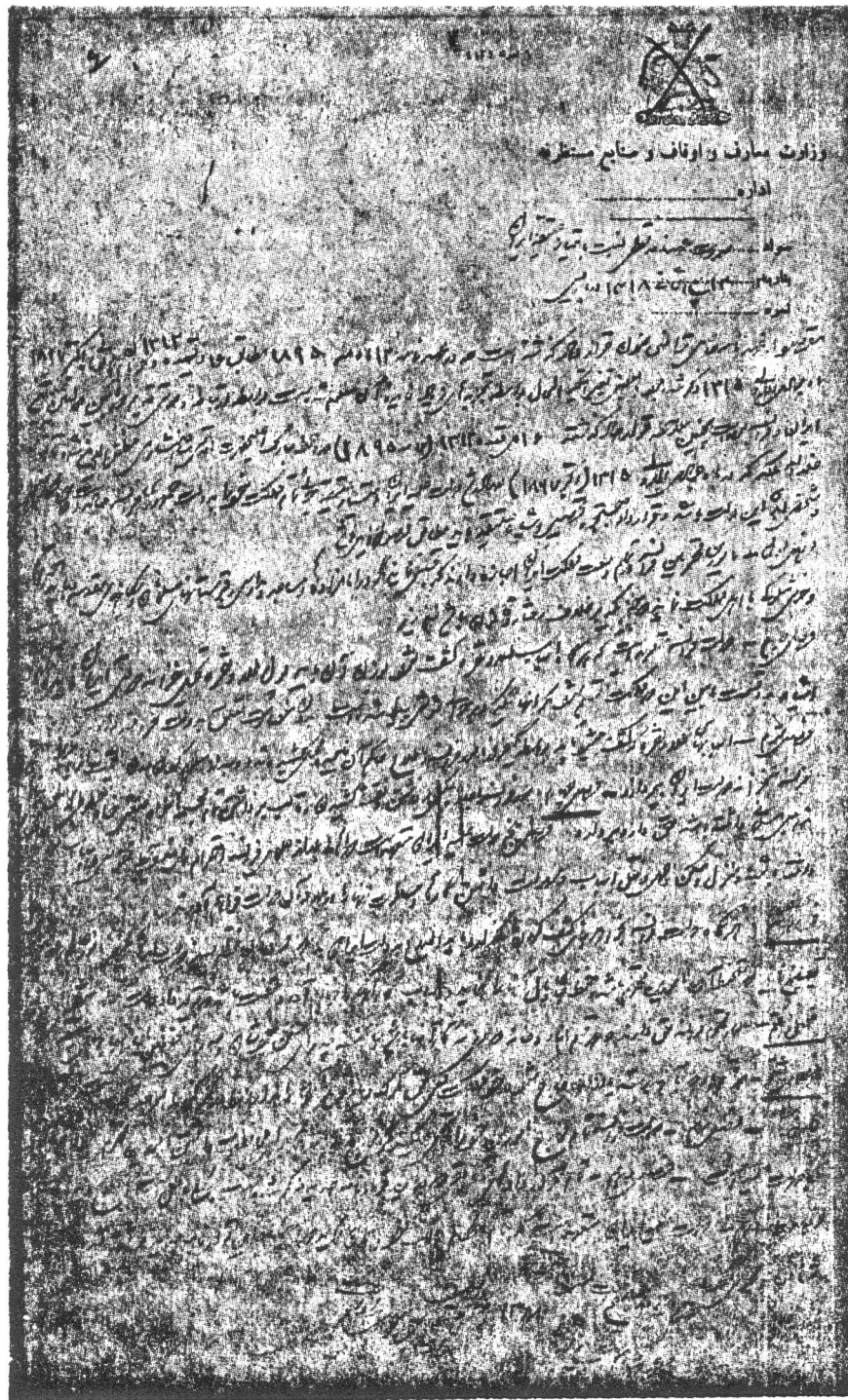
ریزی مالی و مدیریت هیئت تا نهایتاً توصیف و تفسیر و تعبیر آثار بدست آمده بتوانند اطلاعات لازم اولیه را کسب نمایند . دروس عملی این رشته تحصیلی را با سایر رشته های تحصیلی میتوان با دروس تشریح دانشکده های پزشکی مقایسه نمود . همانگونه که شناسائی اجزاء بدن انسان برای یک دانشجوی رشته پزشکی از ضروریات اولیه



قرارداد ناصرالدین شاه

محسوب میشود آشنائی دانشجویان باستانشناسی با جزئیات روشهای تحقیق عملی باستانشناسی نیز از واجبات است .
اولین گروه دانشجویان باستانشناسی و تاریخ هنر برای کارآموزی و گذراندن دروس عملی خود در ترم اول سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹

زیر نظر استادان خود در بررسی و حفاری دانشگاه تهران در دشت قزوین شرکت نمودند . این برنامه آموزشی عملی بدون وقفه تا پایان نیمسال اول سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸ ادامه داده شد . کارشناسان و متخصصین باستانشناسی که در حال حاضر در مرکز باستانشناسی ایران



قرارداد مظفرالدین شاه

تصویر ۲

مشغول تحقیق و پژوهش میباشند اکثر "از فارغ التحصیلانی هستند که این دوره آموزش عملی را در حین تحصیل خود در دانشگاه تهران، گروه باستانشناسی و تاریخ هنر گذرانیده اند.

خاتمه

البته تشکیلات متعدد دیگری نیز در رابطه با میراث فرهنگی ایران سازمان داده شده اند که برخی از آنها مانند مدرسه صنایع مستظرفه به ریاست مرحوم کمال الملک (در حدود سال ۱۳۰۷) سابقه طولانی دارند و بعضی دیگر مانند موزه رضا عباسی و موزه فرش و

فرهنگسرای نیاوران بیش از یک دهه از تاریخ ایجاد آنها نمی گذرد. در این میان فعالیتهای دو سازمان دفتر آثار تاریخی و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به نحو بارزی چشم گیر است. در آخرین گردهم آئی مسئولان موزه های کشور که در آبان ۱۳۶۴ در تهران در موزه فرش تشکیل گردید و سالی بیش از ۳۳ موزه کشور در آن شرکت داشتند که حایز کمال اهمیت می باشد.

تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۸۵
شماره ۵۰۸۵
۶۱۴۱

وزارت جلیل امور خارجه - اداره محترم کل صنایع
اداره محترم کل تجارت

نظر به اینکه کشور بین المللی صنایع ایران در روشن سال ۱۳۲۵
در لندن گرام منعقد خواهد شد درجه ۲۱ آذر به
هیئت محترم وزارت عظام خبر گردید که کمیسیون مرکب از
نمایندگان وزارت جلیل امور خارجه و اداره محترم کل صنایع و
اداره محترم کل تجارت و وزارت معارف برای مطالعه در کیفیت
مشارکت دولت ایران در این کنفرانس تشکیل شده و نتیجه مذاکرات
و مطالعات کمیسیون هر چه زودتر به هیئت محترم وزارت عظام
برسد. لکن متنی است مقرر نمایند نمایند.

در ساعت ۳ صبح روز چهارشنبه سوم بهمن ماه ۱۳۱۲ هجری
مذکورات لازم در اداره استیضاح وزارت معارف حضور بهم رسانند.

سواء برای اطلاع آنی که از رئیس کل عشایق ارسال میگردد که در
ساعت مذکور بمنوان نماینده وزارت معارف در مذاکرات شرکت جویند.

کلیل وزارت معارف

۴۲۴

در روز سه شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۵
مهره

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
شماره ۱۳۸۵-۱۰-۴۰



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف حوزه اصفهان

دایره

یخ-آب-تازه

میرزا محمد علی

اقاى سيد محمد تقى خان مصطفىوى عضواى ائمه عتيقات

از اول فروردین ۱۳۱۴ مأموریت نظارت در ساختمانهای اصفهان و مرمت ابنیه

تاریخی انجا و جمع اورى اطلاعات لازمہ راجع بہ اسنہ سابق الذکر بموجب

این ابلاغ بمعهد، شمامحول میگردد لازم است سریعاً شروع بانجام و ضایف

مقررہ نمائید در مسائل متنی باید از مسیو کہ از کتب تعلیمات نمائید ولی در

امور اداری تابع آقای رئیس معارف اصفهان خواهند بود حقوق شما کماکان

از محل بودجه اداری عتیقات درآمدت توقف اصفهان نادیه خواهد شد

و فوق الماد، نیز از محل مقتضی نادیده خواهد گردید —

وزیر مصلحت و اوقاف

Wie

تاریخ ش.ه	نام تشکیلات	نام وزارت	نام وزیر	نام رئیس تشکیلات	تخصص تحصیلی رئیس تشکیلات	ملاحظات
۱۲۹۵	موزه ملی	معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه	مرتضی قلی خان	مرتضی قلی خان ممتاز- الملک	شاعر و ادیب	موسس اولین موزه ملی در ایران . محل موزه در محدوده دارالفنون ، ساختمان وزارت خانه کارمندان : رضاقلی خان رفیع الملک ، رضاقلی توروژی ، حاج اسدالله شالغروش (ارزیاب) سلیمان سپهری وحیدرقلی شاملو (عون الوزاره) (صندوقدار)
۱۲۹۷	اداره عتیقات	=	ابراهیم حکیمی	ابرج میرزا اجال الملک		
۱۳۰۱	شعبه عتیقات	=		حیدرقلی شاملو		
۱۳۰۳	شعبه عتیقات	=		رضا فیهی		شعبه عتیقات و انطباعات درهم ادغام شدند . شعبه انطباعات بعداً " بصورت تشکیلات اداره نگارش درآمد
۱۳۰۴						عمارت مسعودیه برای وزارت فرهنگ خریداری شد و موزه ملی به این عمارت منتقل گردید
۱۳۰۶						۲۵ مهر امتیاز انحصار حفاری در ایران که در ۱۱ اوت ۱۹۰۵ میلادی در زره- منظرالدین شاه به دولت فرانسه داده شد و بدینطور مشروط توسط مجلس شورای ملی وقت لغو گردید
۱۳۰۸	امور عتیقات			آندره گدار	متخصص تاریخ هنر	طبق یکی از شروط لغو امتیاز فوق مسیو گدار از اول فروردین با استخدام دولت ایران درآمد و بعنوان مدیر کل امور عتیقات با انجام وظیفه مشغول شد . گذار تبعه دولت فرانسه بود
۱۳۰۹						در ۱۲ آبان قانون " عتیقات ایران " به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید
۱۳۱۱						در ۲۸ آبان آیین نامه اجرائی قانون عتیقات ایران از تصویب هیات دولت گذشت
۱۳۱۲						آغاز احداث بنای ساختمان موزه ایران باستان کنونی با نقشه طرح شده توسط گدار و به معماری حاج عباسعلی و معمار
۱۳۱۳	اداره کل باستانشناسی	فرهنگ		دکتر علمی فرهنگندی (علیم الملک)	پزشک	آغاز بنای دانشگاه تهران

ملاحظات	تخصص تحصیلی رئیس تشکیلات	نام رئیس تشکیلات	نام وزیر	نام وزارت	نام تشکیلات	تاریخ ش.ه
انتقال اشیاء موزه از عمارت مسعودیه به موزه جدید الاحداث ایران باستان افتتاح رسمی موزه ایران باستان ، ایجاد دانشگاه تهران از ۱۸/۹/۲۰ تا ۱۸/۱۰/۲۰ بعدت چهلروز ریاست اداره کل باستانشناسی را عهده دار بود مدیرکل وجانشین ریاست اداره کل تا خرداد ۱۳۳۲ از ۲۵/۷/۸ تا ۱۳۲۵/۱۰/۷	دبیر ادبی - تاریخ و الفنون لیسانس حقوق مدرسه حقوق	سر لشکر علی ریاضی آندره گدار نصرت اله مشکوتی سید محمد تقی مصطفوی	علی اصغر حکمت	فرهنگ	اداره کل باستانشناسی	۱۳۱۵
			=	=	=	۱۳۲۵
			محمود مهران	=	=	۱۳۳۲
			صادق صمیمی	=	=	۱۳۳۷
از ۱۳۳۲ تا آبان ۱۳۳۷ که بازنشسته گردید . (به یاد دارم که شاگرد مدرسه عالی حقوق بود) (یادداشت) ستاد محیط طباطبائی	لیسانس باستانشناسی لیسانس حقوق لیسانس فیزیک دبیرم لیسانس تاریخ لیسانس فیزیک	محمد علی رفعت جاه باقر نحوی تقی علی آبادی حسن مشحون محمود آجودانی	محمد درخشش	=	=	۱۳۴۰
			دکتر پرویز نائل خانلری	=	=	۱۳۴۱
			محمود مهران	=	=	۱۳۴۲
			مهر داد پهلبد	فرهنگ و هنر		۱۳۴۳
دکتر محمد یوسف کیانی از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ مدیرکل موزه ایران باستان . بعد منتقل به دانشگاه شد	دکتر باستانشناسی ادبیات انگلیسی و باستانشناسی	دکتر حسین طبینعمی دکتر فیروز باقرزاده	=	=	مرکز باستانشناسی ایران	۱۳۴۹
			=	=	=	۱۳۵۱

تاریخ هـ. ش	نام تشکیلات	نام وزارت	نام وزیر	نام رئیس تشکیلات	تخصصی/حصولی/رئیس تشکیلات	ملاحظات
۱۳۵۷	مرکز باستان شناسی ایران	فرهنگ و هنر	دکتر پرویز درویش (فاطمه مقام)	علی اکبر سرفراز	فوق لیسانس باستان شناسی	
۱۳۵۸	=	=	دکتر علی شریعتمداری	=	=	آقای نصرت الله معتمدی مدیر کل موزه ایران باستان
۱۳۵۹	=	فرهنگ و آموزش عالی	دکتر حسن حبیبی	ایرج حریرچیان	لیسانس باستان شناسی	
	مرکز باستان شناسی ایران	فرهنگ و آموزش عالی	دکتر عارفی	مهندس محمود بناجیان	آرشیست	
	=	=	دکتر نجفی	مهندس محمد ابو ذری	فوق لیسانس باستان شناسی	معاون وزیر بود تا آقای کلهر باین سمت منصوب شد.
۱۳۶۱	=	=	دکتر نجفی	=	آرشیست	مهندس معاون وزیر
۱۳۶۳	=	=	دکتر ایرج فاضل	=	=	
۱۳۶۴	=	=	دکتر فراهادی	=	=	

منابع و مأخذ

اشاره‌ای به چگونگی ذکر مأخذ در متن .

پس از نقل مستقیم قولی بین دو ابرو ابتدا نام نویسنده نوشته شده است و بعد از یک خط تیره شماره صفحه و یا صفحات . چنانچه از نویسنده‌ای در دوجا مقاله‌ای بدست آمده که مورد استفاده واقع گردیده از مقاله‌ای که بیشتر استفاده شده بعد از نام نویسنده شماره ۱ و از مقاله دیگر با شماره ۲ یاد شده است . چنانچه مأخذ مورد استفاده بصورت مجموعه مقالات گردآوری شده از چند سازمان منتشر گردیده است فقط به عنوان اصلی مجموعه اکتفا گردیده است .

۱- قانون و آئین نامه حفظ آثار عتیقه

وزارت فرهنگ ، اداره کل باستانشناسی ، تهران

بدون ناشر ، بدون تاریخ انتشار

۲- آئین نامه خرید و فروش اشیاء عتیقه

وزارت فرهنگ و هنر ، اداره کل باستانشناسی و فرهنگ عامه ، تهران

بدون نام ناشر ، بدون تاریخ انتشار

۳- گزارشهای سومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی در ایران

موزه ایران باستان ، تهران - ایران ۱۱ تا ۲۸ آبان ۱۳۵۳

وزارت فرهنگ و هنر ، تهران ، ۱۳۵۴

۴- گزارش فعالیت های پژوهش ، حفظ و احیاء میراث فرهنگی در سال ۱۳۶۲

حوزه معاونت حفظ و احیای میراث فرهنگی

وزارت فرهنگ و آموزش عالی ، تهران ، ۱۳۶۳

۵- نمونه‌هایی از فعالیت های پژوهشی ، حفظ ، احیاء و معرفی میراث فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و آموزش عالی ، تهران ، بهار ۱۳۶۲

۶- مجله دانشکده ادبیات ، شماره ۱

دانشکده ادبیات ، دانشگاه تهران ، مهر ۱۳۳۲

۷- راهنمای دانشکده ادبیات

دانشگاه تهران ، شهریور ۱۳۴۵

۸- اطلاعات ماهانه ، شماره اول ، سال اول ، فروردین ۱۳۲۷

موسسه روزنامه اطلاعات ، تهران ، ۱۳۲۷ ، صفحات ۱۷-۱۰

۹- اطلاعات در یک ربع قرن ، حوادث مهم یک ربع قرن در یک جلد کتاب

موسسه روزنامه اطلاعات ، تهران ، ۱۷ مهر ۱۳۲۹

۱۰- اعتماد السلطنه ، محمد حسنخان

روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه

مقدمه و فهرس - ایرج افشار

امیرکبیر ، تهران ، چاپ سوم ، ۲۵۳۶

۱۱- ۱. هوتوم شیندلر

سه سفرنامه - هرات و مرو و مشهد

به اهتمام روشنی " زعفرانلو " ، قدرت الله

گنجینه سفرنامه‌های ایرانی ۴ ، دانشگاه تهران شماره ۱۲۰۰ ، تهران ۱۳۴۷

۱۲- حاج زین العابدین مراغه‌ای

سفرنامه ابراهیم بیک

چاپ مطبع فردوسی ، کلکته هندوستان ، سنه ۱۳۲۵ ق .

۱۳- ژان دیولافوا

سفرنامه خاطرات کاوشهای باستانشناسی شوش ، ۱۸۸۴-۱۸۸۶

ترجمه ایرج فره‌وشی

دانشگاه تهران ، شماره ۱۵۷۸- شماره مسلسل ۱۹۳۶ ، تهران ، ۲۵۳۵

۱۴- شی‌یرا ، ادوارد

الواح بابل

ترجمه علی اصغر حکمت

ابن سینا ، تهران ، ۱۳۴۱

۱۵- فووریه

سه سال در دربار ایران

ترجمه عباس اقبال

علمی ، تهران ، ۱۳۲۶

۱۶- کیخسروی ، رشید

دوران بی‌خبری یا غارت آثار فرهنگی ایرانیان ، گنج زیویه و دردنامه‌روستائیان زیویه ، نخستین گزارش

ناشر نویسنده ، تهران ، ۱۳۶۳

۱۷- مصطفوی ، سید محمد تقی (۱)

" تلاش در راه خدمت بآثار ملی و امید به آینده "

گزارشهای باستانشناسی ، جلد سوم

اداره کل باستانشناسی ، تهران ، ۱۳۳۴ (صفحات ۳۱۵-۳۶۵) .

۱۸- مصطفوی ، سید محمد تقی (۲)

" بنای تاریخی بقعه بی بی شهربانو درری "

گزارشهای باستانشناسی ، جلد سوم

اداره کل باستانشناسی ، تهران ، ۱۳۳۴ (صفحات ۳۰۵-۲۵۳) .

۱۹- معصومی ، غلامرضا

باستانشناسی ایران (از ۲۴۰۷ تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی)

ستاد بزرگ ارتشتاران ، اداره روابط عمومی ، تاریخ در آرشیو نظامی

تهران ، اسفند ۲۵۳۵ ؟

۲۰- ناصرالدین شاه

سفرنامه ناصرالدین شاه بکربلا و نجف (بخط میرزا رضا کلهر)

کتابخانه سنائی ، تهران و بدون تاریخ انتشار .

۲۱- وامقی ، دکتر ایرج

" گنجینه غارت شده "

مجله نشر دانش ، سال پنجم ، شماره پنجم ، مرداد و شهریور ۱۳۶۴

نشریه مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ، ۱۳۶۴ (صفحات ۳۸-۲۷) .

۲۲- نواب

وقایع اتفاقیه - مجموعه گزارشهای خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری

به کوشش سعیدی سیرجانی

نشر نو ، تهران ، ۱۳۶۱

ضمیمه

یادداشتهای استاد سید محمد محیط طباطبائی .

۱- در عهدفتحعلی شاه قاجار دخمه ارغون در حدود زنجان کشف شد که محتوی اشیاء ارزنده ای بود و شاهزاده حاکم قزوین و زنجان را خوشبخت و خوشوقت کرد . شاهزاده حسینعلی میرزا والی فارس هم بدین سواد سنگ روی قبر پادشاهان هخامنشی را در تخت جمشید برکند و آنها را خالی یافت . از این زمان کندوکاو بصورت تیله کنی در نقاط تاریخی ایران بوسیله عناصری که واسطه ارتباط خارجیان بودند تشویق شد . همین تیله کنی خرابه های ریا که در زمان کرپورتر از خندق قدیم

تهران تاپشت دیوار حرم حضرت عبدالعظیم را گسترده بود به صورتی در آورد که برجهای مقبره کسائی و محمد حسن شیبانی که تا اوایل عهد ناصرالدین شاه نسبت به سالم مانده بود در ۱۳۱۳ که مشتاق بازدید از آنها بودم طوری از میان رفته بود که هنگام تحقیق در خرابه‌های ری اگر پیرمرد هفتاد ساله‌ای خبر از خرابی آنها در زمان جوانی خود نمیداد این جانب از بازدید گودال محل قبر محمد حسن خان شیبانی در اراضی جنوبی این بابویه محروم مانده بودم. بنابراین باید تاریخ آغاز کندوکاو برای کسب منفعت را از زمان ناصرالدین شاه به روزگار فتحعلی شاه، قهرمان پیروزیهای گلستان و ترکمنچای، برد.

۲- شیخ مهدی عبدالرب آبادی که به سیاق علمای هند صده نوزدهم لقب شمس‌العلماء داشت و غالب نوشته‌های محمد حسن خان به تحریر و تصحیح او صورت میگرفت مولف واقعی کتاب المائر و الاثار ناصری که به اسم اعتماد السلطنه چاپ شده است.

۳- عارف نیز از همکاران نزدیک محمد حسن خان که مترجم زبان ترکی عثمانی و واقف به خطوط اسلامی بود کتابی در تاریخ به نام ظل السلطان نوشته که در کتابخانه فرهنگ اصفهان چند سال پیش دیدم. کتابی دیگر در شناخت خطوط دارد که جزو مجموعه‌ای در کتابخانه مجلس دیده‌ام.

۴- این بار دوم بود که شاهزاده و برادر حسینعلی میرزا والی سابق فارس به چنین عمل سودجویانه‌ای دست میزد.

(در رابطه با نویسنده کتاب وقایع اتفاقیه) نواب، صاحب کتاب، که تبعه انگلیس و مهاجر به شیراز، پدر حسینقلی نواب سفیر ایران در آلمان موقع جنگ جهانی اول و عباسقلی نواب منشی سفارت انگلیس تا حین مرگ بوده است.

۵- افندی همان عارف خان است که عمر خود را در ایران بسر برد و دختری به نام دره المعالی داشت که از نخستین زنان پیشرو معارف جدید بود و دره المدارس را ایجاد کرد. گویا عارف در اواخر عمر زیر پوشش لقب شمس‌العلماء میزیست.

۶- در ۱۳۰۲ که تازه به تهران آمده بودم با چند تن از دوستان به زیارت حضرت عبدالعظیم از راه دولت آباد میرفتیم. در کنار جاده عده‌ای را به تیله کتی بی پروا مشغول میدیدیم و معلوم بود هنوز در راه این کار زیان آور مانعی به وجود نیامده بود.

۷- ممتاز الملک گویا برادر صمدخان ممتاز السلطنه بود موسس "جامعه معارف" که یک انجمن فرهنگی آزاد بود. در سال ۱۳۰۴ در تالار اجتماعات جامعه معارف شیخی را حاضر و ناظر بودم که مرحوم سید محمدعلی داعی الاسلام طرح فرهنگ نظام خود را برای حضار مجمع به بحث گذارده بود و نمونه‌هایی از کارهای انجام داده خود را نشان میداد. ممتاز الملک که قیافه‌ای خشن و لحنی درشت و لهجه تبریزی غلیظی داشت مردی فوق العاده سنگین و مودب و مردم‌دار بنظر میرسید.

۸- در ۱۳۰۳ در محل تکیه فلزی دولت که هنوز پابرجا بود و فدای حسد و جهل و تصور نفع مادی مختصری نشده بود و در آنجا نمایشگاه امتعه وطنی بزرگی دایر شده بود جزو شاگردان مدرسه قاجاریه (واقع در خیابان ظهیر الاسلام فعلی) به آنجا رفتم سکه‌های بسیار و ظروف و سلاحهایی دیدم که از موزه سلطنتی گلستان به آنجا آورده بودند. بعدها برخی از آنها را در موزه اسلحه مدرسه نظام طهران در ۱۳۱۴ دیدم. سکه‌ها مربوط به مجموعه محمد حسن خان وزیر انطباعات بود که بعد از فوت اعتماد السلطنه به موزه ناصرالدین شاه منتقل شده بود.

۹- جلد اول ابراهیم بیک چاپ کلکته با جلدهای دوم و سوم و تفاوت سبک و سیاق دارد. منشی جلد اول که به اندیشه‌ها و گفته‌های حاجی زین العابدین تاجر مقیم اسلامبول جلوه ادبی کامل بخشیده است میرزاتقی (اگر حافظه خطا نکرده باشد)

معروف به منشی روزنامه اختر بود که مقالات مهم روزنامه اختر اسلامبول را مینوشت. یکی از اعضای قدیمی وزارت امور خارجه که قسمت اعظم خدمت خود را در اسلامبول گذارده و با میرزاتقی منشی اختر دوستی و آشنائی معتمد داشته بود این موضوع را چهل و اندی سال قبل در وزارت خارجه برای این جانب نقل کرد. بنابراین کتاب ابراهیم بیکراباید جامع میان فکر حاجی زین العابدین تاجر ایرانی مقیم اسلامبول و قلم شیرین و منشیانه میرزا تقی منشی روزنامه اختر اسلامبول دانست.

۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ که شاگرد دارالفنون و مشتری پرو پا قرص روزمره کتابخانه معارف واقع در راهرو شرقی دارالفنون و با عون‌الوزاره متصدی مربوط بودم چنین هیاتی و چنین اداره‌ای در این محل دیده نمیشد. در کنار اطاق بزرگ کتابخانه اطاق دربسته‌ای بود که تصور میکنم همان مجل جمع‌آوری و یا نگاهداری اشیاء عتیقه موجودی بوده است. آقای آندره‌گدار در دوره بیست ساله ارتباط مستقیم خود با کار باستانشناسی از نظر ارتقای سطحی علمی وابستگان به این دستگاه فرهنگی تصور میکنم خاطره قابل ذکری از خود به یادگار نگذاشته بلکه برعکس:

۱- از مساعدت یا تشویق بادکتر بهرامی که تنها کارمند دانشگاه دیده موسسه بود به اندازه دریغ میورزید که او را پیوسته در شکنجه روحی میداشت.

۲- در تمام مدت نکوشید که بورسیه‌ای به فرانسه برای دیدن دوره‌های لازم بفرستد و از این بخل و امساک به نفوذ کهنه فرهنگ فرانسه علاوه بر پرورش استعداد ایرانی‌ضررجبران ناپذیر زد.

۳- در مواقع ضروری از اقدام به حفظ آثار موجود مضایقه میکرد:

الف - در موقعی که قطع بازار وکیل در شیراز بوسیله شهرداری صورت میگرفت برای جلوگیری اقدام موثر نکرد.
ب - موقعی که در بناهای صفی‌آباد و اشرف و ساری و بار فروش به بهانه خیابان کشی و تعمیرات تصرفات بیجامیشد هیچگونه تذکری نداد. در این باب باید از اطلاعات آقای دکتر ستوده استفاده کرد که چه بود و چه شده است (شاید در این باب بتوان از اطلاعات آقای علی سامی و آقای دکتر ستوده و در صورتیکه مشکوتی در حیات باشد استفاده کرد).

ج - موقعی که مرات تصمیم به خرابی امامزاده یحیی گرفت گزارشی که در باب اهمیت تاریخی بنا از آغاز صد هفتم بنا بدینطرف بوسیله این جانب و مصطفوی (بنا به دستور خود وزیر) تنظیم شده بود به این بهانه که این همه در عهد قاجاریه سرهم شده است از تصویب و تقدیم به وزیر مضایقه کرد و بنای خشتی‌رکه در آغاز صد هفتم وجود داشته خراب کرد.

در صورتیکه مرات در گزارشی که این جانب راجع به آثار تاریخی کنار راه آهن به دست‌وروزیر برای کتاب راه آهن تنظیم و تحریر کرده بود و در آن کتاب به چاپ رسید امامزاده یحیی و امامزاده زید و امامزاده اسمعیل را جزو بناهای تاریخی طهران پذیرفته و امضاء کرده بود.

۱۲- لغو کاپیتالوسیون که در آغاز سلطنت رضاشاه اتفاق افتاد بالتبع به همه امتیازات مربوط به آن دوره طولانی خاتمه میبخشید. توجه بدین نکته برای کشف اسباب تحول در کار باستانشناسی بی سود نیست.

۱۳- پس از اشتغال فرهنگستان به کار لغت‌سازی و نامگذاری وزارتخانه‌ها و ادارات و دوائر که کار نخستین آن بود باستانشناسی

هم جای عتیقات را گرفت .

۱۴- (دکتر علی فرهنگندی) که به عنوان طبیب در مدرسه طب به کار اداری مدرسه میپرداخت .

۱۵- میرزا علی اصغر حکمت سرتیب علی ریاضی افسر سابق ژاندارمری را که از قشون کنار گذاشته شده بود به ریاست فرهنگ فارس فرستاد . وقتی مراتب به وزارت رسید او را که باهم سابقه دوستی در فرانسه داشتند از شیراز به تهران آورد و بدین کار گماشت . در این اثنا گویا برای اینکه محل کار برای تصدی جدید گذار که دوباره برای اشغال شغل متصرفی سابق خود به ایران باز آمده بود باز شود او را (سرلشکر ریاضی را) به کار دیگری بردند .

ریاضی محترمانه از قشون کنار گذارده شد و تحویل وزارت فرهنگ در شیراز بعنوان ریاست شد . وقتی آقای حکمت او را از شیراز به تهران آورد به ریاست باستانشناسی منصوب شد . اخراج او و سرتیب شهاب و چند صاحب منصب دیگر برای این بود که از صاحب منصبان ژاندارمری بودند ، و بنا بر تصفیه نظام جدید از عنصر غیر قزاق بود .

۱۶- وزارت فرهنگ به دو وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر تقسیم و بعداً "آموزش عالی از آموزش جدا شد .

۱۷- قبلاً "امور هنری که مشمول کلمه سابق صنایع مستظرفه میشد به ستوان یکم مین باشیان شوهر شمس خواهر شاه که افسر موزیک قشون و برادر سرگرد مین باشیان شوهر خاله شاه بود واگذار شد و هنگام تقسیم وزارت فرهنگ این لقمه تازه هم به سفره ستوان مین باشیان گذارده شد که نام خود و نام خانوادگی یادگار خدمت پدر در قزاقخانه را رها کرده و مهرباد پهلبد شده بود .

یادداشت زیر در حاشیه تصویر شماره ۴ نوشته شده است :

آقای مصطفوی در سال ۱۳۰۴ دیپلمه شد و به معلمی مدارس ابتدائی مشغول گشت و در همان حال در مدرسه حقوق هم به تحصیل مشغول بود . در ۱۳۰۸ یا نه به عتیقات منتقل شد و سپس در ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ خدمت وظیفه را انجام داد . در بهار ۱۳۱۳ که روزها را در خرابه های ری میگذراندم روزهای جمعه را به آنجا می آمد و با هم کار میکردیم . در ۱۳۱۴ او را برای تصدی عتیقات اصفهان فرستادند و در آنجا خدماتی صورت داد که بعدها اسباب حسن شهرت او گردید . با هیات حفاری اشمیت در سال ۱۳۰۰ در تخت جمشید همکاری کرد .

یادداشت های زیر در ظهر جدول نوشته شده اند :

۱- عون الوزاره ، حیدرقلی شاملو از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ رئیس کتابخانه ملی بود که در ضلع شرقی دارالعلوم - س یکی از دو اطاق تحتانی بود و فوقانی آن محل وزارت معارف بود . در آنجا محلی و مرجعی به نام عتیقات مشهود نبود و شاید در سازمان و بودجه معارف بتوان از آن اثری بدست آورد . عون الوزاره زبان عربی و انگلیسی نمیدانست و مجلات و کتابهای عربی و انگلیسی را که به کتابخانه میرسید به کمک برخی از مراجعه کنندگان شناسائی و ثبت میکرد . خطش خوب بود و تحصیلات عالی قدیم یا جدید نداشت ولی نسبت به مراجعه کنندگان مهربان و مساعد بود .

۲- رضا فیهمی در سال ۱۳۰۴ معلم تاریخ کلاس پنجم ادبی و حق التدریسی بود و در سازمان وزارت معارف بود و در محل عتیقات حقوق میگرفته است . از شاگردان فرنگ رفته بود که بعدها رئیس اداره انطباعات وزارت معارف شد و در

۱۳۱۳ که حکمت وزیر معارف شد به کمک فهیم الملک برادرش به وزارت کشور رفت و تا موقع بازنشستگی در آنجا مشغول بود. در ۱۳۲۴ که دموکراتها بر تبریز و زنجان چیره شدند فرماندار زنجان بود که به دست دموکراتها گرفتار شد. وصف گرفتاری خود را که یادداشت کرده بود در مجله محیط همان سال منتشر کرد.

۳- ایرج میرزا در وزارت معارف مشیرالدوله به عنوان رئیس اداره دفتر یا کابینه وزارتی منصوب شد که شامل عتیقت هم بود. در زمان وزارت ممتاز الملک هم عتیقات جزو کار اداره کابینه یاد دفتر بود.

۴- در موقع لغو قرارداد امتیاز حفريات فرانسویان بدین رضایت دادند که کار حفريات شوش زیر نظر مستقیم و نظارت معارف با اجازه اداره کل عتیقات صورت گیرد و گذار را به عنوان سرپرست و رایزن فنی بر عتیقات وزارت معارف تحمیل کردند.

۵- علیم الملک فرهمندی که نخست عنوان نظامت مدرسه عالی طب را داشت برای همکاری و رهبری گذار منصوب شد. او فرانسه را بد حرف میزد ولی از حیث خط خیلی قشنگ مینوشت و در آغاز کار مسئول اداره کل انطباعات بود که شامل عتیقات هم میشد. بعدها عتیقات از انطباعات جدا شد. مصطفوی، مشکوتی و صمیمی و دکتر حسین امینی که کشیش کلدانی تازه مسلمانی بود، ایادی و همکاران علیم الملک در دستیاری آندره گذار بودند که بعدها سه تن اول مسئول شدند. (عبدالحمید ملک الکلامی که در کابینه ذکاء الملک ۱۳۱۲ رئیس دفتر ریاست وزرا بود و دکتر حسین خان را از قدیم میشناخت او را چنین معرفی کرد)

تبصره: دکتر حسین خان به زبانهای لاتینی و سریانی و فرانسه و انگلیسی و عربی آشنائی کامل داشت و در خواندن برخی از کتیبهها و بررسی اسناد کهنه مرجع باستانشناسی دوره گذار بود.

۶- ریاضی رئیس معارف فارس بود و برای اینکه او را از شیراز به طهران بیاورند باستانشناسی را به او دادند ولی این موقع مصادف با اشغال فرانسه از طرف آلمانها شد که گذار به ایران باز آمد و مقام قبلی خود را بازیافت. بواسطه اشغال او به کارهای سیاسی مربوط به فرانسه امور اداره عتیقات به دست مصطفوی اداره میشد.

۷- مصطفوی از ۱۳۱۳ که از نظام وظیفه فراغت یافت به باستانشناسی باز آمد و در آنجا ماند تا بازنشسته شد. در بهار سال ۱۳۱۳ که بیشتر روزهای من به گردش و مطالعه در روی خرابه های اراضی میگذشت مصطفوی روزهای جمعه به محل میآمد و با من همراهی میکرد. پیش از آنکه به نظام وظیفه برود عضو اداره عتیقات شده بود و بدین کار علاقه مخصوص نشان میداد.

این یادداشت در ظهر جدول بدون شماره گذاری نوشته شده است:

گذار که گویا معمار بلدیه پاریس بود در زمان امیر امان اله خان به کابل رفته و مشاور دربار امان اله خان برای کارهای عمرانی او در باغ نعمان بود. بعد که برای خدمت در عتیقات به ایران آمد معلم فرانسه امان اله خان را که یک ایرانی رشتی و به خدمت امان اله خان درآمده بود و بعد از سقوط امیر به ایران بازگشت برای مترجمی خود برگزید.

تذکر:

استحضار از دو مورد زیر چنانچه به ارزش اطلاعاتی مقاله نیفزاید مسلماً از آن نخواهد کاست. در مورد اول با علل چگونگی تنظیم قرارداد واگذاری امتیاز انحصار حفاری در ایران به دولت فرانسه آشنا می‌شویم و مورد دوم نیز اشاره‌ای دارد به قدمت تاسیس رشته باستانشناسی در دانشگاه تهران.

*** در سال ۱۸۹۴ (۱۳۱۲ قمری) وزیر مختار و سفیر فوق‌العاده فرانسه آقای رنه بالو RENE DE BALLOY که از دوستان مخصوص دربار ایران هم بود موفق شد موافقت اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه را برای انعقاد قراردادی در مورد انحصار تحقیقات باستانشناسی در سراسر قلمرو کشور شاهنشاهی ایران که مخصوص دولت فرانسه باشد بدست آورد. مذاکرات دو دولت و تا مفاد قرارداد به مرحله عمل درآمد در حدود سه سال بطول انجامید زیرا تنظیم مواد این قرارداد حقیقتاً "خیلی مشکل بود". دولت ایران میخواست قرارداد به وضعی بسیار مودبانه و توأم با تعارفات سیاسی تنظیم شود و نماینده ما سعی داشت مفاد آن طوری تنظیم گردد تا اشخاصی که مفاد این قرارداد را اجرا خواهند کرد حتی‌المقدور از دردسرهای و مشکلاتی که خواه یا ناخواه بر اثر اختلاف اخلاقی و نژادی ما و مردمان ایران روی میداد دور و برکنار باشد.

نقل از: سفرنامه دموگان ترجمه جهانگیر قائم مقامی. انتشارات طهوری، تهران ۱۳۳۵، صفحه ۱۲

*** فریدون پس از پایان دوره دبیرستان در رشته ادبی برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در دانشکده ادبیات در رشته باستانشناسی مشغول تحصیل شد. پس از اخذ لیسانس در سال ۱۳۲۵ به شیراز بازگشت و در اداره فرهنگ فارس (آموزش و پرورش) در امور باستانشناسی، بکار اشتغال ورزید.

به نقل از: "توللی و حوادث فارس" نوشته حسن امداد

مجله آینده شماره ۱۱ - ۱۲ سال یازدهم. بهمن و اسفند ۱۳۶۴، صفحه ۸۱۳.

تذکر ۲

دستیابی به چراها و چگونگی تغییرات پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شناخت عوامل موثر در این تغییرات از طریق تحقیق در هر آنچه که از انسان در طول تاریخ بازمانده است مقوله ایست که در دامنه علم باستانشناسی قرار میگیرد. در رهگذر این تحقیق است که مستندات و مدارک معتبر تغییرات و تحولات پدیده‌ها، که عنوان آثار بخود میگیرند، بستگی به میزان بار اطلاعاتی و ارزشی که به‌همراه دارند اهمیت پیدا می‌کنند. حفظ و نگهداری و معرفی این گونه آثار و ارزشهای نهفته در آن به جامعه بمنظور عبرت اندوزی و بهره‌گیری هوشیارانه از آن در سیر تحول فرهنگی جریانی است که به تبع پژوهشهای باستانشناسی شکل میگیرد و ضرورت می‌یابد. بینش حاکم بر تحقیقات و روش انجام آن و نیز نحوه نگهداری و معرفی آثار و ارزشهای نهفته در آن در جهان و بخصوص کشورمان موضوع بحث اصلی ما می‌تواند باشد.

آنچه توسط آقای دکتر ملک مورد بررسی قرار گرفته است، تا میزان زیادی برخورد دولتیان ما را با این امر نشان میدهد و نه جامعه سنتی و فرهنگ دوستان را که البته باید اذعان کرد که حتی در این مورد هم تمام ابعاد آن دیده نشده است که انتظار می‌رود در مقالات بعدی ایشان شاهد آن باشیم. مجله اشـــر